

# اصول دیپلماسی

## از دیدگاه حکمت در عرفان و تصوف اسلامی

### بیژن بیدآباد<sup>۱</sup>

#### چکیده

در این مقاله قواعد کلی دیپلماسی اسلامی و نحوه رفتار حکومت اسلام با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها را از دیدگاه عرفا و صوفیه مورد بررسی قرار می‌دهیم. هدف دیپلماسی در اسلام تنها در کسب امنیت و منفعت کشور متبوع خلاصه نمی‌شود. هدف دیپلماسی اسلام اشاعه تعالی انسانی توسط تعالیم الهی است و بالاتر از جریان مادی مبادله امتیازات قرار دارد. اصولاً حکومت اسلامی به کشورهای دیگر به عنوان منبع انتفاع نمی‌نگرد بلکه به عنوان برادر یا همسایه اقدام به برقراری روابط می‌نماید. وظیفه برادری یا همسایگی متفاوت از تعاریف تفاهم و دوستی‌های ملی و بین‌المللی جهان فعلی است که همگی بر مبنای مادیات استوار است. مبنای مادیات و اقتصاد در این بحث از نظر اسلام منتفی نشده، بلکه هدف نیست. به عبارت دیگر اسلام مادیات و اقتصاد را به عنوان ابزاری برای تعالی روحی و اخلاقی جامعه می‌خواهد و نه فقط برای رفاه و تلذذ جسمانی. در روابط بین‌الملل در نظام فعلی جهان آنقدر توجه به کسب مادیات است که اخلاقیات و معنویات همه در زیر پای اقتصادیات لگد مال می‌شوند. لذا دیپلماسی اسلامی با هدف اعتلای معنویات و اخلاقیات جامعه سعی بر ایجاد و برقراری روابط با سایر کشورها دارد و در این هدف گذاری اصول مهمی را مد نظر قرار می‌دهد که به شمارش برخی از آنها در این مقاله می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، تصوف، عرفان، حکمت

#### مقدمه

دیپلماسی به دو معنی کلی اطلاق می‌شود. معنی اول دیپلماسی به معنی خط‌مشی یا سیاست‌های یک کشور در قبال مسائل سیاسی بین‌المللی اعم از کشورهای خارجی یا مناطق مختلف یا پیمانهای بین‌المللی اعم از جهانی یا منطقه‌ای بکار برده می‌شود. معنی دوم به مفهوم هنر یا فن مذاکره جهت رسیدن به تفاهم مشترک در عرصه بین‌المللی می‌باشد. به هر تقدیر دیپلماسی در هر دو معنی در برقراری ارتباط مفهوم پیدا می‌کند.<sup>۲</sup> در این بخش به هر دو مفهوم از دیدگاه مفاهیم

<sup>۱</sup> - Web: <http://www.bidabad.com> , Mail: [bijan@bidabad.com](mailto:bijan@bidabad.com) , [bidabad@yahoo.com](mailto:bidabad@yahoo.com)

<sup>۲</sup> - معانی دیپلماسی در منابع خارجی مشتمل بر این دو تعریف نیز می‌شود. گرچه معنی لغوی آن شامل «دو چهره داشتن» نیز هست.

- A Guide to Diplomatic Practice by Sir Ernest Satow, (Longmans, Green & Co. London & New York, 1917). Now in its fifth edition (1998).
- The Rise of the Great Powers: 1648-1815 Derek McKay and H.M. Scott (1983).

اسلامی در برقراری ارتباطات بین‌المللی خواهیم پرداخت.<sup>۳</sup>

در نظام‌های سیاسی متداول جهان مبنای دیپلماسی ناشی از عوامل متشکله قدرت نظیر جغرافیا، نیروی نظامی، توان اقتصادی و خصائص اجتماعی و انسانی، ثبات سیاسی و محبوبیت میان کشورها است که هر کدام به نوبه خود بر نحوه تداخل یک کشور در نظام جهانی تأثیرگذار است. برای مثال وسعت، موقعیت، عوامل اقلیمی و اوضاع طبیعی از لحاظ جغرافیایی می‌تواند سبب اقتدار و سلطه یک کشور بر منطقه گردد یا نیروی هوایی، دریایی، زمینی و یا سیستم‌های تحرک قوا - که عصر حاضر را به عصر فشار تکمه<sup>۴</sup> معروف کرده است - یا سلاحهای استراتژیک و بُرد آنها مؤلفه نظامی در قدرت را تشکیل می‌دهند. بنگاهها و تکنولوژی تولید و اقتصاد پرتوان و سهم یک کشور در تجارت بین‌المللی یا منطقه‌ای مؤلفه اقتصادی قدرت را شکل می‌دهد و خصائص ملی و روحیه افراد جامعه، همسانی و یکپارچگی افراد و ویژگی‌های قومی - نژادی و تعصبات ملی و میهن دوستی و بسیاری موارد دیگر از جمله عوامل تشکیل دهنده مؤلفه اجتماعی و انسانی قدرت یک کشور می‌باشند. ثبات سیاسی و سایر ویژگی‌هایی که منجر به ثبات سیاسی و حکومت یک کشور می‌شود و وجهه بین‌المللی یک کشور نزد افکار عمومی جهان و دولت‌ها نیز از مؤلفه‌های دیگر قدرت یک کشور تلقی می‌شوند. تاریخ جوامع بشری نشان داده است که هرگاه توازن قوا در سطح بین‌المللی وجود داشته تجاوز به حقوق دولت‌ها و ملت‌ها کمتر اتفاق افتاده و قرارداد اجتماعی بین‌المللی (به مفهوم مد نظر ژان ژاک روسو - ولی در اندازه جهانی آن) بیشتر رعایت شده ولی هرگاه کشوری به موقعیت ممتازی از لحاظ قدرت دست یافته تجاوز خود را به حقوق دیگر ملت‌ها و دولت‌ها آغاز نموده است. شاهد این مدعی آنقدر در تاریخ مشاهده شده که ذکر آن نیازمند کتب عدیده است و تاریخ بشریت مملو از این پدیده است.

هدف ما در این مقاله بررسی قواعد کلی دیپلماسی اسلامی و نحوه رفتار حکومت اسلام با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها است. البته همانطور که قبلاً نیز به آن اشاره شد حکومت اسلامی در طول تاریخ اسلام فقط چند سالی در صدر اسلام و چند سال آخر دوران حیات امیرالمؤمنین علی ع بوده و در باقی دوره‌ها چه زمان حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس و چه در سایر ازمنه که پادشاهانی به اسم اسلام در بلاد و سرزمین‌های مسکونی مسلمین بر اریکه قدرت مستقر بودند همه به نام اسلام است ولی تفاوت زیادی در باطن و صورت این حکومت‌ها با حکومت واقعی اسلام وجود دارد.

در روابط کشورها با یکدیگر مسائل مختلفی جلب نظر می‌نمایند. به عبارت دیگر دیپلماسی عملی بر اصولی استوار است که نحوه برقراری روابط بین‌الملل و رهبری دیپلماسی و مبنای انگیزشی یا عقیدتی دیپلماسی و هدف آن و روش‌ها و تاکتیک‌های تحصیل هدف همه از عوامل مهم دیپلماسی می‌باشند که دیپلماسی متداول و دیپلماسی اسلام تفاوت‌هایی در مبانی و ویژگی‌ها دارند که به بعضی از موارد مهم آن خواهیم پرداخت.

هدف و انگیزه دیپلماسی در اصل چرائی ایجاد و برقراری رابطه با دنیای خارج است. این انگیزه در زمانها و نظام‌های سیاسی جهانی مختلف متفاوت بوده است. برای مثال در انواع نظام‌های بین‌المللی، قدرت یک قطبی بین‌المللی، توازن قوای دو یا چند قطبی بین‌المللی، حکومت قانون در روابط بین‌الملل، سیستم ملوک‌الطوایفی بین‌المللی و انواع دیگر، هدف دیپلماسی می‌تواند متفاوت باشد. ولی هدف اصلی و مشترک بین تمام اشکال دیپلماسی کسب امنیت و

<sup>۳</sup> - آلا دپوش، علی و علیرضا توتوتچیان (۱۳۷۲) دیپلمات و دیپلماسی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دیپلماسی را در ۴۶ معنی بیان نموده که غالباً در دو مفهوم فوق قابل دسته بندی هستند.

<sup>۴</sup> - Push button age.

منفعت بوده و هست.

از لحاظ نظریات علوم سیاسی، امنیت به مفهوم خودبقایی یا حفظ وجود خود تلقی می‌گردد. این امنیت می‌تواند در حفظ وضع فعلی در برابر دیگران، آینده نگری برای سبقت از دیگران در آینده، ترس از دست دادن متصرفات، و ترس از تجاوز و بسیار موارد دیگر خلاصه شود. کسب منافع نیز در حصول منافع ناشی از برقراری ارتباطات و روابط سیاسی و اقتصادی و یا وسوسه به تجاوز به تصرفات دیگران و یا بالا بردن اعتبار بین‌المللی و ثبات سیاسی یا اقتصادی خود خلاصه می‌شود. کسب منافع منتج از روابط تجاری و اقتصادی بین‌المللی خود سرفصل بزرگی در مباحث اقتصاد بین‌الملل می‌باشد که در اینجا به آن نمی‌پردازیم.

امنیت در تاریخ با تقویت قدرت نظامی، استقرار و اسکان جمعیت در مناطق امن و وضع موانع استحفاظی ایجاد می‌شده است. پس از رشد تکنولوژی و گسترش ارتباطات و دسترسی به جنگ‌افزارهای دوربرد، شرایط حصول امنیت دگرگون گردید. انعقاد قراردادهای چند جانبه، بکارگیری روش‌های تفرقه‌اندازی و ماکیاولیسم در مورد سایر کشورها، تلاش برای خودکفائی و استقلال نسبی تکنولوژیکی ملی و پایش و مراقبت از تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی همه از روشها و ویژگی‌های کسب امنیت در قرن گذشته بوده است، گرچه بسیاری از این شیوه‌ها در قرون و اعصار قدیم نیز به نحوی روش تأمین امنیت بشمار می‌رفته است. بسیاری از موارد فوق مبنای روش‌های دیپلماتیک در کسب امنیت تلقی می‌گردند که با برقراری روابط بین‌الملل به شکل دیپلماسی عملی متبلور می‌گردند.

هدف دیپلماسی در اسلام تنها در کسب امنیت و منفعت خلاصه نمی‌شود و علیرغم توجه به حصول جمیع مؤلفه‌های مورد نیاز برای ایجاد امنیت و کسب منفعت برای دولت و ملت، اسلام به دنبال هدف بالاتری اقدام به طراحی دیپلماسی و برقراری روابط بین‌الملل می‌نماید. در آیه شریفه: «ای مردم همانا شما را از نر و ماده‌ای خلق کردیم و شما را در شعب و قبائلی قرار دادیم تا بشناسید. همانا اکرم شما نزد خدا خوددارترین شماست.»<sup>۵</sup> هدف خلقت را بندگی و عرفان معین می‌فرماید. در جای دیگر می‌فرماید: «خلق نکردم جن و انسان را مگر برای عبادت»<sup>۶</sup> که «لِیَعْبُدُونِ بِیَعْرِفُونَ» نیز معنی شده است. یعنی هدف خلقت، شناخت و عرفان و آگاهی و بندگی است. برخی «لِتَعَارَفُوا» را ظرف شعوباً و قبائلاً دانسته‌اند یعنی شناختن یکدیگر در شعب و قبائل هدف خلقت بوده است. این آیه به هر تقدیر همسانی ابناء بشر و شناخت دیگری و به عبارت دیگر روابط اقوام و شعب و ملل را وسیله رسیدن به اهداف خلقت ترسیم می‌کند.

تعدد اقوام و امم از ویژگی‌های خلقت است و برخی اعتراض کردند که چرا خداوند همه انسانها را در یک ملت و قوم نیافرید. در قرآن می‌فرماید: «برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم و اگر خدا می‌خواست همه شما را یک امت می‌ساخت ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است بیامیدتان پس در خیرات بر یکدیگر پیشی گیرید همگی بازگشتتان به خداست تا از آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان سازد.»<sup>۷</sup>

در آیه دیگری می‌فرماید: «برای هر امتی آئینی نهادیم تا بر آن آیین باشد پس با تو در امر با تو منازعه نکنند. تو به

۵- سوره حجرات، آیه ۱۳. یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم.

۶- سوره زاریات، آیه ۵۶. و ما خلقت الجن و الإنس الا لیعبدونی.

۷- سوره مائده آیه ۴۸: لکل جعلنا منکم شریعة و منهاجاً و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة و لکن لیبلوکم فی ما آتاکم فاستبقوا الخیرات االی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم فیہ تختلفون. مشابه این آیه در قرآن زیاد است.

پروردگار خودت دعوت کن که همانا تو بر هدایت مستقیم هستی.<sup>۸</sup> یعنی ای پیامبر منهای و شریعت هر قومی برای خودشان محترم است و آنها به آئین خود و تو به آئین خود باش گرچه شریعت تو بین شرایع دیگر راهی مستقیم و کوتاه تر است.

شاید دور از صحت نباشد اگر تأویل شود که علت ایجاد اقوام مختلف و قرار گرفتن مشیت الهی بر شعوب و امم مختلف همانا اختلاف و عدم تبعیت آنها بوده است زیرا که می فرماید: «مردم جز یک امت نبودند پس میانشان اختلاف افتاد.»<sup>۹</sup> و همچنین آیه شریفه دیگر می فرماید: «مردم یک امت بودند پس خدا پیامبران بشارت ده و ترساننده را با کتاب بر حق بفرستاد تا بین مردم در آنچه که اختلاف کرده بودند حکم کند.»<sup>۱۰</sup>

هدف دیپلماسی اسلام اشاعه تعالی انسانی توسط تعالیم الهی است. می فرماید: «هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد پناهِش ده تا کلام خدا را بشنود سپس به مکان امنش برسان زیرا ایشان قومی هستند که نمی دانند.»<sup>۱۱</sup> این آیه خطاب به رسول گرامی اسلام است که برای اینکه کلام خدا را به گوش مشرکان برسانی به آنها پناه هم بده و آنها را تا مامن امن نیز بدرقه کن و این بار زحمت را قبول نما تا ایشان که نمی دانند کلام خدا را (از بیانات تو) بشنوند بلکه از این استماع تغییر روش دهند و به راه خدا نزدیک شوند. این روش برخورد، مبین هدف دیپلماسی اسلام است و می آموزد که روش برقراری ارتباط در اسلام چگونه باید باشد. به عبارت دیگر یک روش خداوند در نزدیک ساختن خلق به راهش بدین گونه است که پیامبر اکرم ص را متحمل مشقت می کند تا مشرکین کلام خدا را که از دهان مبارک رسولش بیرون می آید بشنوند. و این کلام نه تحکم است و نه امر و نه نهی، بلکه گفتگویی است همانند مذاکرات متعارف. در سوره نحل همین دعوت به ظرافت آورده شده است، می فرماید: «با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و به روش نیکویی با آنها صحبت کن، پروردگار تو آگاه ترین است به کسی که از راه گمراه است و آگاه ترین است به هدایت شدگان.»<sup>۱۲</sup>

مبحث رهبری دیپلماسی به موضوع و تعریف و ویژگی های حکومت اسلامی برمی گردد. در اصل حکومت اسلامی حکومتی است که تحت حاکمیت نبی یا ولی یا وصی ع باشد و در غیر این صورت حکومت به نام اسلام است. تبعیت دینی در حکومت اسلامی واجب است و در حکومت هایی که به نام اسلام می باشند وجوب شرعی ندارد. برای مثال تبعیت از خلفای جور حکومت های بنی امیه و بنی عباس و سایرین الزام شرعی ندارد بلکه همکاری با آنها می تواند سبب ضعیف شدن معصوم ع نیز باشد. همانطور که در داستان صفوان جمال حضرت جعفر صادق ع صفوان را از اجاره دادن شتر به خلیفه تحذیر می فرمایند که شرح آن در کتب روائی مفصل است. و ایراد حضرت بر صفوان بر این است که چون تو میل داری شترهایت سالم برگردند قلباً میل داری که خلیفه نیز سالم باز آید و همین میزان تمایل قلبی تو جایز نیست.

<sup>۸</sup> - سوره حج آیه ۶۷. لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُبَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَ اذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ. همینطور نگاه کنید به آیه ۳۴ سوره حج.

<sup>۹</sup> - سوره یونس آیه ۱۹. وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا.

<sup>۱۰</sup> - سوره بقره، آیه ۲۱۳، كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ.

<sup>۱۱</sup> - سوره توبه، آیه ۶: وَ إِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ.

<sup>۱۲</sup> - سوره نحل، آیه ۱۲۵. اذْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.

به هر حال چنانچه در مصادر حکومتی اذن از انبیاء و اولیاء و اوصیاء الهی منضم باشد حکومت اسلامی است یعنی به نحوی حاکمیت در اختیار مأذونین و صاحبان امر الهی باشد، که فرمود: «اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و صاحبان امر از میان خودتان را»<sup>۱۳</sup> در غیر این صورت اطاعت شرعی مصداق ندارد و اطاعت قانونی و مشروعیت قانونی مصداق می‌یابد که منبث از قرارداد اجتماعی بین افراد جامعه است که خود قابل احترام و در حیطه قانون لازم الاتباع است.

رهبری دیپلماسی در نظام‌های سیاسی با ریاست قوه مجریه و تشکیلات اجرایی وی است و این موضوع در نظام‌های مختلف تفاوت‌های خاص خود را داراست. در حکومت اسلامی رهبری دیپلماسی با نبی یا ولی یا وصی ع است یا به طور کلی صاحبان امر، رهبری دیپلماسی را به عهده دارند همانطور که رهبری جامعه را عهده‌دار می‌باشند.<sup>۱۴</sup> روشهای دیپلماسی در نظام‌های سیاسی تقریباً مشابه و خصوصاً از طریق مذاکره است. برقراری روابط بین‌المللی بر این اساس تحت شرایط چانه‌زنی و مبادله امتیازات صورت می‌گیرد. به طوری که دولت‌ها از طریق معاوضه امتیازاتی که به یکدیگر می‌دهند روابط میان خود و طرف‌های خود را تعریف می‌کنند.

روش دیپلماتیک در اسلام بالاتر از جریان مادی مبادله امتیازات قرار دارد. اصولاً حکومت اسلامی به کشورهای دیگر به عنوان منبع انتفاع نمی‌نگرد بلکه به عنوان برادر یا همسایه اقدام به برقراری روابط می‌نماید. وظیفه برادری یا همسایگی متفاوت از تعاریف تفاهم و دوستی‌های ملی و بین‌المللی جهان فعلی است که همگی بر مبنای مادیات استوار است. مینا بودن مادیات و اقتصاد در این بحث از نظر اسلام منتفی نشده، بلکه هدف نیست. به عبارت دیگر اسلام مادیات و اقتصاد را به عنوان ابزاری برای تعالی روحی و اخلاقی جامعه می‌خواهد و نه فقط برای رفاه و تلذذ جسمانی. در صورتی که در روابط بین‌الملل در نظام جهانی آنقدر توجه به کسب مادیات است که اخلاقیات و معنویات همه در زیر پای اقتصادیات لگد مال می‌شوند. لذا دیپلماسی اسلامی با هدف اعتلای معنویات و اخلاقیات جامعه سعی بر ایجاد و برقراری روابط با سایر کشورها دارد و در این هدف‌گذاری اصول مهمی را مد نظر قرار می‌دهد که به شمارش برخی از آنها می‌پردازیم.

## ۲۲- اصل مأموریت بر مبنای اجازه

در اسلام، احراز مناصب دینی، قضائی، سیاسی و اجرائی بر مبنای اجازه است و هیچکس از پیش خود محق نیست تا حتی در امور جزئی فرعی نیز دخالت یا حکم کند. در قرآن کریم در آیت الکرسی شفاعت را منحصر به اذن می‌نماید و می‌فرماید: «کیست که نزد او شفاعت کند مگر به اذن او»<sup>۱۵</sup> بر اساس این آیه شفاعت و نتیجتاً بیعت و اتصال به خداوند و بطور کلی دین را منحصر به صاحبان اجازه می‌نماید. امیر مؤمنان علی ع به شریح می‌فرماید: «ای شریح در جایی که تو نشسته‌ای فقط نبی یا وصی نبی یا شقی می‌نشیند»<sup>۱۶</sup> یعنی مسند قضاء و فتوا در فروع دین و مسائل جزئی دینی منحصر به

<sup>۱۳</sup> - سورة نساء، آیه ۵۹، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

<sup>۱۴</sup> - بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی (۱۳۸۲) تحلیل فقهی-اقتصادی انواع بیمه و شیوه حکومت اسلامی.

<sup>۱۵</sup> - سورة بقره، آیه ۲۵۵، مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ

<sup>۱۶</sup> - الکافی، ۷، ۴۰۶، باب أن الحكومة إنما هي للإمام ع ۲- مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لِشَرِيحٍ يَا شَرِيحُ قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ

انبیاء یا اوصیاء آن بزرگواران ع است و حقیقت آن در انحصار صاحبان اجازه قرار دارد لذا در این زمان نیز علماء اصیل مراعی اجازه روایت هستند و اذن روایت خود را به طرق صحیح به معصوم ع می‌رسانند و کسی که اجازه روایت نداشته باشد معذور از حتی نقل و بیان اخبار و احادیث است. در غیر این صورت حکم ایشان در کلیه امور حتی امور جزئی فرعی سبب فسق و ظلم و کفر صاحبان فتوا می‌شود. چرا که در قرآن کریم می‌فرماید: «کسی که به آنچه خداوند حکم کرده حکم نکند کافر است.»<sup>۱۷</sup> و در دنباله می‌فرماید ظالم است<sup>۱۸</sup> و در دنباله می‌فرماید فاسق است<sup>۱۹</sup> و این موضوع را خداوند به دلیل اهمیّت آن سه بار در قرآن کریم پشت سر هم تکرار فرموده است.

در صدر اسلام نیز تمام انتصابات توسط رسول خدا ص انجام می‌شد و این موضوع به دلیل اهمیّت اجازه و تبعیّت همگی از صاحب فرمان است که خداوند تبعیّت را منحصر به خود و رسول خود و صاحبان اجازه فرموده<sup>۲۰</sup> و این اطاعت لازمه رشد در ارشاد باطنی و نظم در حکومت سیاسی اسلام است. در حکومت‌های سیاسی دیگر فقط شق دوم مطرح است ولی در اسلام رشد معنوی و تعالی اخلاقی انسانی افراد نیز مد نظر قرار دارد و این تعالی و تکامل اتفاق نمی‌افتد مگر با ارشاد توسط کسانی که مأمور رشد و تربیت خلق هستند، که فرمود: «آنکه خداوند هدایتش کرد پس او هدایت شده و آنکه گمراه شد و گوی مرشد نداشت.»<sup>۲۱</sup>

پس سمت‌های اخذ بیعت و ارشاد و راهنمایی و هدایت یا روایت و صدور احکام مذهبی چه در زمان غیبت و چه در زمان ظهور به قائم آل محمد ص و نواب آن حضرت اختصاص دارد و سمت‌های قضاء و سیاسی و سفارت در زمان خروج آن حضرت و در اختیار گرفتن حکومت باز مختص به حضرتش و نواب آن حضرت است که خود منصوب فرماید. بلکه باید گفت سمت‌های فعلی که حکمرانی بر خلق خداست نیز متعلق به آن حضرت می‌باشد ولی در غضب و تصرف پادشاهان و سلاطین قرار گرفته و آنان بدون اذن خداوند بر خلق او حکم می‌رانند. قرآن کریم می‌فرماید: «هیچکس شفیع (و واسطه) جز به رخصت او نخواهد بود.»<sup>۲۲</sup>

در دیپلماسی بین‌المللی نیز مشابه اینگونه موارد دیده می‌شود. نماینده رسمی و آکر دیته از سوی رئیس یک دولت به عنوان واسطه اصلی خدمت می‌کند. عناوین و سلسله مراتب دیپلماتیک در کنگره وین ۱۸۱۵ و ایکس لاشاپل<sup>۲۳</sup> در ۱۸۱۸ منطبق با شرایط آن زمان نیز مطرح بودند. کنوانسیون وین<sup>۲۴</sup> درباره روابط دیپلماتیک مصوب ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ دول متعاقد را ملزم به رعایت تشریفات در مورد تقدیم استوارنامه سفرها به مقامات کشور میزبان می‌نماید. و اگر به دلیلی یکی از طرفین (فرستنده سفیر یا میزبان سفیر) مشروعیت قانونی خود را از دست بدهند مأموریت سفیر نیز خاتمه می‌یابد. برای مثال پس از تعویض پادشاه یا رئیس جمهور مجدداً سفرها بایست استوارنامه خود را به پادشاه جدید ارائه دهند. یا اگر رتبه دیپلمات تغییر یابد وی مجدداً باید تجدید صلاحیت شود و اگر سفیر مأموریتش به اتمام رسد معوض وی نیز

نَبِيٍّ أَوْ شَفِيٍّ.

۱۷ - سورة مائده آیه ۴۴، وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

۱۸ - سورة مائده آیه ۴۵، وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۱۹ - سورة مائده آیه ۴۷، وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

۲۰ - سورة نساء، آیه ۵۹، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

۲۱ - سورة كهف آیه ۱۷، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يَضَلِّ لَنْ يَجِدَ لَهُ وِليًّا مُرْشِدًا.

۲۲ - سورة يونس، آیه ۳، مَا مِنْ شَفِيْعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ.

23 - Aix la Chapelle

24 - American Journal of international law (1961) pp 1062 – 1082.

باید مجدداً استوارنامه خود را به حاکم میزبان ارائه دهد.<sup>۲۵</sup> حالت دیگر در تعویض دولت‌هاست. وقتی دولت‌ها یا حکومت‌ها در کشوری تعویض می‌شوند و این تعویض چه قانونی باشد و چه قهری نیازمند تجدید میثاق دولت یا حکومت‌های دیگر با کلیه نمایندگان و سفرای دولت جدید است. این رسم و آئین مشابه مراسم تجدید بیعت در اسلام است که بعد از رحلت خلیفه الله در هر زمان همه مؤمنین باید با خلیفه جدید یا با نمایندگان او مجدداً تجدید بیعت نمایند. ماجرای غدیر خم و چادر زدن حضرت امیر ع و بیعت همه مؤمنین با ایشان حتی قبل از رحلت رسول گرامی اسلام ص به دلیل اهمیت موضوع در تاریخ ثبت است. قرآن کریم می‌فرماید: «آنها امت‌هایی بوده‌اند که اکنون در گذشته‌اند. آنچه کرده بودند از آن آنهاست و آنچه شما کنید از آن شماست و شما را از اعمالی که آنها کرده‌اند نمی‌پرسند.»<sup>۲۶</sup> این موضوع دلالت بر این دارد که دولت‌ها و حکومت‌های بعدی باید موارد احکام، انتصابات و معاهدات گذشته را تنفیذ و تصدیق مجدد نمایند.

### ۷۳- اصل اطاعت از صاحبان اجازه

همانطور که گفته شد مناصب دینی در اسلام و سایر مناصب اجتماعی در حکومت اسلامی همگی بر مبنای اجازه تحقق می‌یابند و هر اقدامی بدون اجازه صاحبان اذن فضولی در امر خدا تلقی می‌گردد. بر این اساس اطاعت فقط از خدا و رسول و صاحبان اجازه دستور داده می‌شود و این اطاعت واجب است. در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول و صاحبان اجازه از میان خودتان را و چون در چیزی به نزاع رسیدید پس به خدا و رسول مراجعه کنید اگر ایمان به خدا و روز آخر دارید. این خوب است و بهترین معنی را دارد.»<sup>۲۷</sup> این اصل از اصول بازدارنده دیپلماسی سرخود یا اجتهاد به رأی است که می‌تواند منبع فسادهای دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی باشد. لذا در اسلام این اختیارات از عموم سلب و تحت اختیار اولوالامر قرار گرفته که شایستگی آن را در پیاده سازی احکام اسلام در سراسر عالم دارد.

### ۷۴- اصل مسؤولیت دیپلماتیک

مأمورین سیاسی و دیپلمات‌ها در عرف دیپلماسی بین‌المللی و همچنین به موجب ماده ۳ کنوانسیون دیپلماتیک وین برای انجام دسته‌ای از وظایف اعزام می‌شوند که این وظایف شامل موارد زیر است:

- نمایندگی دولت متبوع
- حفظ منافع دولت متبوع
- مذاکره با دولت میزبان
- گزارش اوضاع و وقایع دولت میزبان به دولت متبوع

<sup>۲۵</sup> - برای شرح این موضوعات و موارد مشابه نگاه کنید به: کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۵) دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وابسته به وزارت امور خارجه. تهران.

<sup>۲۶</sup> - سوره بقره، آیه ۱۳۴، تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

<sup>۲۷</sup> - سوره نساء، آیه ۵۹، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

▪ گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بین دولت متبوع و دولت میزبان

در هر کدام از وظایف فوق محتوای مسئولیت مأمور سیاسی دولت اسلام گسترده‌تر از چیزی است که مد نظر دول دیگر می‌باشد. بطور کلی مأمور در اسلام معذور نیست بلکه مسئول است<sup>۲۸</sup> یعنی وی موظف است وظایف خود را به نحوی انجام دهد که سبب تحقق حق گردد و نه سبب تحقق مأموریت اسمی وی. به عبارت دیگر مأموریت مأمور سیاسی در اسلام استیلای حق بر ظلم به مفهوم گسترده حق و ظلم است که در جای خود شرح داده شد و حق بهینه فعالیت‌ها و ظلم نابهینه‌گی به معنای متداول آن در ریاضی و اقتصاد می‌باشد. وظیفه مأمور سیاسی اسلام حفظ منافع ملی یا قومی یا فردی نیست و هنگامی که او را برای نمایندگی یا مذاکره یا گزارش‌دهی یا گسترش روابط اعزام می‌نمایند در اصل برای حصول منافع بشریت اعزام می‌نمایند و نه برای حصول منافع دولت متبوع یا آمر او یا فرد وی. زیرا در این مأموریت او وظیفه دارد که کلیه مملوکات حق را به میزان شأن آنها مراقبت و خدمت و التفات نماید زیرا خداوند عاشق تمام مخلوقات خود بوده و آنها را آفریده و همه مخلوق نزد او عزیزند و مأمور او نیز باید همه را عزیز بدارد و گرنه مقهور ارباب خود که خدای تعالی است می‌گردد. در این ارتباط کلام خداوند است که می‌فرماید: «گمان کردید که ما شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید!»<sup>۲۹</sup> و در این راه اعمال فرد دیپلمات یا مأمور برایش مسئولیت‌آور است و در قبال کلیه اعمال و رفتار خود و آثار آن در بارگاه الهی چه در دنیا و چه در آخرت مسئول است. در یک قاعده کلی قرآن کریم می‌فرماید: «هر کسی در گرو کار خویشتن است.»<sup>۳۰</sup> در فرمان به مالک اشتر، امیر مؤمنان علی ع می‌فرماید: «ای مالک» هر آن امر که از مافوق می‌شنوی، با امر خدای بسنج چنانچه خداوند، تو را از آن عمل نهی می‌کند، زنهار فرمان خالق را در راه هوس مخلوق قربانی مکن. هرگز مگو که من مأمورم و معذورم، هرگز مگو که به من دستور داده‌اند و باید کورکورانه اطاعت کنم، هرگز طمع مدار که تو را کورکورانه اطاعت کنند. هرگز به پشتیبانی مقام خلافت، سروری خود را بر دیگران تحمیل مکن»<sup>۳۱</sup>

## ۷۵- اصل مصونیت سیاسی و عدم مصونیت اجتماعی و شخصی دیپلمات

مصونیت‌های دیپلماتیک یکی از مسائل مهم دیپلماسی عملی از گذشته دور تا به حال بوده است و همواره تحولات و نشیب و فرازهای شدید و متنوعی داشته است. در زمانی برای تأدیب دولت‌ها سفرای اعزامی آنها را سر می‌بردند و برای پادشاه یا حاکم گسیل‌دارنده سفیر می‌فرستادند و در زمانی با تحمیل قوانین کاپیتولاسیون وابسته‌های غیرسیاسی دول خاص را از قید محاکمه در دولت محلی معاف می‌داشتند. در روم قدیم سیرون<sup>۳۲</sup> مصونیت سیاسی سفیر را منبث از حقوق الهی و حقوق انسانی می‌دانست. منتسکیو سفیر را زبان حاکم اعزام کننده سفیر معرفی می‌کند و می‌گوید «زبان حاکم یا سلطان باید آزاد باشد.»<sup>۳۳</sup> مصونیت دیپلمات‌ها شامل دو بخش عمده مصونیت سیاسی و مصونیت

<sup>۲۸</sup> - بحار الأنوار، ۷۲، ۳۸، باب ۳۵ - الإنصاف و العدل...

<sup>۲۹</sup> - سوره مؤنون، آیه ۱۱۵، أَمْ فَحْسَبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ.

<sup>۳۰</sup> - سوره طور، آیه ۲۱، كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ.

<sup>۳۱</sup> - فرمان حضرت علی ع به مالک اشتر، چاپ وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱ ص ۱۴.

<sup>۳۲</sup> - Marcus Tullius Cicero.

<sup>۳۳</sup> - نگاه کنید به علی اصغر کاظمی (۱۳۶۵) دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه.



فردی است.

در بخش مصونیت سیاسی، دیپلمات‌ها به نحوی مصون معرفی می‌گردند که بر اساس ماده سه کنوانسیون دیپلماتیک وین هیچ یک از مقررات آن کنوانسیون نباید به نحوی تفسیر گردد که مانع از انجام وظایف کنسولی یک دیپلمات گردد. و بر اساس ماده ۲۹ مأمور دیپلماتیک مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت کرد. از لحاظ اسلام نیز مصونیت سیاسی مورد احترام و قابل قبول است و توافقات قبلی یا جدید در این ارتباط الزام‌آور تلقی می‌گردند. مصونیت سیاسی شامل کلیه فعالیت‌های دیپلماتیک کشور دیگر در کشور میزبان و بالعکس می‌باشد. و همانطور که ذکر شد وظایف دیپلمات‌ها در حدود موارد شمرده شده در کنوانسیون وین و با این استثناء که دیپلمات اسلام موظف به حفظ منافع ملل دیگر و موظف به اعتدالی حق و رفع ظلم و تعالی بشریت نیز هست، مورد قبول و احترام اسلام است. در این باب تناقض اساسی با کنوانسیون وین دیده نمی‌شود. سایر موارد مصونیت نظیر مصونیت شخصی و دیپلمات‌ها نظیر توقیف و تفتیش مراسلات و منازل و لوازم آنها همانگونه که در مورد سایر افراد ممنوع است در مورد آنها نیز ممنوع می‌باشد. مبحث تجسس از مباحث مهمی است که در جای دیگر به آن خواهیم پرداخت. براساس کنوانسیون وین اگر دیپلماتی اقدام به رفتار نامشروع و غیرقانونی نماید دولت میزبان محق است تا خواهان عودت او به کشور اعزام کننده گردد. و دیپلمات خاطی مصون از مجازات به کشورش بازمی‌گردد. گرچه این مصونیت تا حدودی افراط در مصون نمودن دیپلمات‌هاست ولی به دلیل جلوگیری از غرض‌ورزی‌های دول متخاصم وضع شده و از لحاظ اسلام نیز به دلیل اینکه در چارچوب توافقنامه‌ها و موافقت جوامع صورت می‌گیرد می‌تواند مورد قبول باشد به شرط اینکه در مغایرت و تناقض با حدود احکام اسلام قرار نگیرد. برای مثال چنانچه دیپلماتی در کشور اسلام اقدام به قتل بدون دلیل و عمد نماید اولیاء دم می‌توانند درخواست قصاص نمایند و تقاضای اجرای حد الهی را نمایند و دولت اسلام موظف به حفظ حقوق اولیاء دم است. لذا بدین ترتیب باید گفت که چنانچه دیپلماتی تجاوز به حقوق دیگران نماید که مستوجب جاری شدن حد براساس موازین شریعت اسلام باشد از جزاء معاف نیست ولی اگر شاکی فردی یا خصوصی نداشته باشد و جرم وی در زمره جرائم حقوق خصوصی افراد طبقه‌بندی نشود طبق مصالح دولت اسلام از لحاظ عفو یا اخراج با وی برخورد خواهد شد. و چون این برخورد طبق عرف بین‌المللی غالباً متقابلاً پاسخ داده می‌شود بایست بر سبیل عفو باشد تا سبب نزاع در بین امم و ملل و دول نگردد.

همین شیوه برخورد نیز با دیپلمات‌های اعزامی دولت اسلام مورد توقع دولت اسلام است یعنی اگر دیپلمات اسلام در زمینه مسائل شخصی در کشور میزبان تخطی نمود با وی برخورد قانونی هم شأن مقررات اسلامی گردد. باید ذکر کرد که این موضوع براساس عرف حقوقی بین‌المللی منوط به توافق طرفین است و در این باب علیرغم برداشتهایی که در فقه سیاسی اسلام در مورد آن شده است<sup>۳۴</sup> ولی متیقن نیست و از مباحثات سیاسی است که بر توافق بین‌الملل باید استوار گردد به شرطی که متناقض حقوق اسلامی نگردد و احکام خداوند را نقض نکند. در حال حاضر بر اساس ماده ۳۱ کنوانسیون وین توافق بین‌المللی بر این است که مأمور سیاسی در دولت میزبان از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است و از مصونیت‌های مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود. و تأسیسات ساختمانهای دولت میهمان در کشور میزبان نیز معاف از مالیات‌های متعارف کشور میزبان است و مأموران سیاسی هنگام ورود به کشور میزبان از پرداخت عوارض

<sup>۳۴</sup> - برای بحث در این باره نگاه کنید به خدوری مجید (۱۳۳۵) جنگ و صلح در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، انتشارات اقبال. و احمد رشید (۱۳۵۳) اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه حسین سعیدی.

گمرکی نیز معافند که گمان می‌رود بسیاری از این موارد زیاده‌روی در اعطای حقوق اضافی به مأمورین سیاسی است ولی با توجه به اینکه توافق مبنای قبول و اعطای این حقوق به صورت متقابل است و به صورت حقوق موضوعه مقبول طرفین است، قابل ایراد شرعی نیست.

همانطور که ذکر شد در دوران قبل و بعد از اسلام بسیار مرسوم بود که برای تنبیه دول دیگر سفرای آنها را می‌کشتند. در قرآن به صراحت به قبیح این عمل اشاره شده است. در سوره آل عمران می‌فرماید: «کسانی را که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و کسانی از مردم که امر به عدالت می‌کنند را به قتل می‌رسانند به عذابی دردناک بشارت ده»<sup>۳۵</sup> گرچه این آیه در مورد پیامبران است ولی سفیر به نحوی پیغام‌آور دولتی برای دولت دیگر است و از تأویل این آیه می‌توان در مورد عدم جواز به عمل قبیح کشتن سفیر استنباط کافی نمود. از طرف دیگر عبارت به غَیْرِ حَقِّ معلوم می‌شود که اگر کشتن او به حق باشد یعنی مرتکب خلافی شود که لازمه آن قصاص باشد این مصونیت برای وی از بین می‌رود. خلاصه این آیه در این موضوع جمع می‌گردد که سفیر مصونیت سیاسی دارد ولی مصونیت شخصی ندارد یعنی در حوزه فعالیت سیاسی خود مصون است ولی در حوزه فعالیت‌های شخصی مصون نیست.

## ۷۶- اصل تبلیغ به عمل و محدودیت امر و نهی بیانی

این اصل یکی از مباحث ظریف روانشناسی تربیتی است که در سطح روابط بین‌الملل نیز موضوعیت دارد. در قرون گذشته و حال بسیار دیده می‌شود که بین کشورهای مختلف این اختلاف همواره مطرح بوده که رهبری مسیحیت یا اسلام در دست کدام کشور باشد. براساس این رقابت کشورها همواره تلاش می‌کردند که به طرق مختلف از اعزام مسیونرهای مذهبی گرفته تا تبلیغات رسانه‌ای اقدام به اعطای دین یا مذهب به ملل مختلف عالم نمایند. این عمل تبلیغ در شرع اسلام مورد قبول نیست و در برخی از کتب فقهی نیز در این باب تذکر داده شده که تبلیغ و تقلید به این شکل در فقه اسلام دچار اشکال است. زیرا اساس دین بر تقلید صحیح استوار است و این تقلید صحیح جدا از این است که رساله‌ای توسط طلبه‌ای اهداء شود و مقلد از نویسنده آن کتاب تقلید نماید. تقلید صحیح یافتن اولوالامر و قلاده بندگی وی به گردن انداختن است که شرح مفصل آن در کتب عرفانی درج است.<sup>۳۶</sup>

چنانچه این موضوع رعایت نشود گفتار ناقص ما ملل دیگر را از اسلام می‌رهاند و نه تنها سودی به حال اسلام ندارد بلکه زیان هم دارد. لذا باید برای تربیت هم به دیپلمات‌ها و هم به مردم کشور اسلام این مسئله دقیقاً تفهیم گردد که تبلیغ ایشان باید بر مبنای صلاح و صحت عمل ایشان باشد و تبلیغ زبانی فقط مختص افرادی است که از این بابت اجازاتی دارند که معنعن به معصوم می‌رسد. در غیر این صورت حق امر به معروف و نهی از منکر زبانی ندارند. آیت‌الله حسین نوری امر به معروف و نهی از منکر و منبری را منوط به هفتاد و دو شرط می‌نماید<sup>۳۷</sup> که شرط اجازه و شرط اثر و اجتهاد آمر و ناهی مذکور در آن کتاب کفایت می‌کند که بگوئیم فقط معدودی حق دارند که با زبان امر به معروف و نهی از

<sup>۳۵</sup> - سوره آل عمران، آیه ۲۱. إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

<sup>۳۶</sup> - نگاه کنید به کتب زیر از حضرت حاج ملاسلطان محمد سلطانعلیشاه: بشارت المؤمنین، انتشارات حقیقت، ۱۳۶۰، تهران. سعادتنامه، تصحیح و تعلیقات حسینعلی کاشانی بیدختی، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۹، تهران. ولایتنامه، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۹، تهران. مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران.

<sup>۳۷</sup> - آیت‌الله حاج شیخ حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل در لؤلؤ و مرجان این شروط را به بیان می‌نماید.

منکر نمایند و تازه روش آن به همان گونه‌ای است که در آیه شریفه به پیامبر اکرم ص امر شده است: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان گفتگو کن همانا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است و او به هدایت شدگان آگاه‌تر است.»<sup>۳۸</sup>

با این حال این بیان باید به شرط اثر باشد که خداوند به رسولش ص می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که خدا از درون دل‌های آنها آگاه است پس از آنها اعراض کن، به سخنی اندریشان ده که در وجودشان مؤثر افتد.»<sup>۳۹</sup> حُسن قول نیز از ملزومات شرط اثر است. می‌فرماید: «به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند»<sup>۴۰</sup> و فرمود: «به مردمان سخن نیک گوئید»<sup>۴۱</sup> علیرغم این تأکیدات بر حُسن قول و گفتار معذالک امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ اسلام باید به عمل باشد. می‌فرماید: «چه کسی را سخن نیکوتر از کسی که به سوی خدا می‌خواند و کارهای صالح می‌کند و می‌گوید من از مسلمین هستم.»<sup>۴۲</sup> یعنی با عمل صالح خویش و با اعلام اسلام خویش مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند.

به هر حال مجادله چیزی است که رسول اکرم ص نیز از آن نهی شده است. در قرآن کریم می‌فرماید: «برای هر امتی آئینی نهادیم تا بر آن آئین باشد. پس در این کار با تو مجادله نکنند و مردم را به پروردگار خود دعوت کن زیرا تو به راستی بر راه راست گام می‌نهی و اگر با تو مجادله کردند بگو: خدا به هر کاری که می‌کنید آگاه‌تر است، در آنچه مورد اختلاف شماسست خدا در روز قیامت حکم خواهد کرد.»<sup>۴۳</sup> و در سوره عنکبوت می‌فرماید: «با اهل کتاب جز به نیکوترین شیوه‌ای مجادله نکنید مگر با آنها که ستم پیشه کردند و بگوئید به آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر شما نازل شده ایمان داریم و خدای ما و خدای شما یکی است ما به او مسلمانان هستیم.»<sup>۴۴</sup> در مورد کافران هم می‌فرماید: «بگو ای کافران من چیزی را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم و شما نیز چیزی را که من می‌پرستم نمی‌پرستید و من پرستنده چیزی که شما می‌پرستید نیستم و شما پرستنده چیزی که من می‌پرستم نیستید دین شما برای شما و دین من برای خودم.»<sup>۴۵</sup> زیرا «در دین اجباری نیست همانا هدایت از گمراهی مشخص است.»<sup>۴۶</sup>

۳۸ - سوره نحل، آیه ۱۲۵. اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.

۳۹ - سوره نساء، آیه ۶۳، أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عَظِّمْ وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا.

۴۰ - سوره اسراء، آیه ۵۳، وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.

۴۱ - سوره بقره، آیه ۸۳، وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.

۴۲ - سوره فصلت، آیه ۳۳، وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

۴۳ - سوره حج، آیات ۶۹ - ۶۷، لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُبَازِغَنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَ اذْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ وَ إِنَّ جَادِلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.

۴۴ - سوره عنکبوت، آیه ۴۶، وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ إِنْ هُنَا وَ إِلَيْكُمْ وَاحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.

۴۵ - سوره کافران، آیات ۶ - ۱، قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَ لَا أَنَا عَابِدٌ مِمَّا عَبَدْتُمْ وَ لَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ.

۴۶ - سوره بقره، آیه ۲۵۶، لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ.

## ۷۷- اصل عدم جواز به تحمیل عقیده

تحمیل عقیده در اسلام جایز نیست بلکه اصل بر آزادی کامل عقیده است. اصولاً ایمان موهبتی الهی است و چیزی نیست که با تحمیل و زور به دیگران القاء شود. قرآن کریم می‌فرماید: «اگر پروردگار تو بخواهد همه کسانی که روی زمین هستند ایمان می‌آورند. آیا تو مردم را به اجبار و می‌داری که ایمان بیاورند؟»<sup>۴۷</sup> پاسخ مستأنف این سؤال این است که خیر تو نباید اجبار کنی و اگر اجبار می‌کردی کسی نیز به تو ایمان نمی‌آورد. در آیه دیگر می‌فرماید: «اجبار و اکراهی در اختیار نمودن دین نیست (گرچه) هدایت از گمراهی مشخص شده است.»<sup>۴۸</sup> و خطاب به رسول اکرم ص است که می‌فرماید: «بگو این سخن حق از جانب پروردگار شماس: هر که بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد کافر شود.»<sup>۴۹</sup> در آیه دیگری می‌فرماید: «بر شما در دین تنگی قرار نداده است.»<sup>۵۰</sup> بلکه دستور به دعوت است آن هم به حکمت و موعظه حسنه و مجادله به شیوه احسن که خطاب به رسول اکرم ص می‌فرماید: «مردم را با حکمت و موعظه نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنها مجادله کن.»<sup>۵۱</sup> در آیه دیگر می‌فرماید: «همواره به نیکوترین وجهی پاسخ ده تا کسی که میان تو و او دشمن است چون دوست مهربان تو گردد.»<sup>۵۲</sup> در آیه دیگر می‌فرماید: «و با اهل کتاب مجادله نکنید مگر به احسن شیوه‌ها البته به جز ستمکاران ایشان.»<sup>۵۳</sup> در عین حال «بگو خدا را مخلصانه می‌پرستم و از برای اوست دین من و شما هر چیز دیگری غیر او را می‌خواهید پرستید.»<sup>۵۴</sup> یعنی شما در انتخاب دین خود آزادید و هر که را دوست دارید پرستید. و «بر خداست که راه راست را نشان دهد و از راهها برخی منحرفند اگر خدا می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد.»<sup>۵۵</sup> و وظیفه انبیاء فقط ابلاغ است که فرمود: «پس آیا پیامبران را جز تبلیغ روشنگرانه و وظیفه دیگری است؟»<sup>۵۶</sup> پاسخ این آیه در آیه دیگری است که خطاب به رسول اکرم ص می‌فرماید: «تو جز بیم دهنده‌ای نیستی و برای هر قومی هادی هست.»<sup>۵۷</sup> یعنی رسول اکرم ص موظف به انذار است و حتی موظف به هدایت هم نیست. زیرا همانطور که قرآن کریم می‌فرماید فرمایش حضرتش هم بر گوش بسیاری اثر ندارد چه رسد نصایح مبلغین من‌عندیه.<sup>۵۸</sup> می‌فرماید: «تو نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آواز خود را به گوش کرانی که از تو روی برمی‌گرداند برسانی، تو نمی‌توانی کوران را از گمراهیشان هدایت نمایی، آواز خود را تنها به گوش کسانی توانی رساند که به آیات ما ایمان

۴۷- سوره بونس، آیه ۹۹. وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً أَ فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

۴۸- سوره بقره آیه ۲۵۶. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ.

۴۹- سوره كهف، آیه ۲۹. وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ.

۵۰- سوره حج، آیه ۷۸، وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ.

۵۱- سوره نحل، آیه ۱۲۵، اذْغِ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.

۵۲- سوره فصلت، آیه ۳۴. اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ.

۵۳- سوره عنكبوت آیه ۴۶، وَ لَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ.

۵۴- سوره زمر، آیات ۱۴ و ۱۵: قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي فَاَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ.

۵۵- سوره نحل آیه ۹، وَ عَلَى اللَّهِ قَسْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَانِبٌ وَ لَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ.

۵۶- سوره نحل آیه ۳۵، فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

۵۷- سوره رعد، آیه ۷، إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ.

۵۸- من‌عندیه به کسانی گفته می‌شود که از نزد خود و بدون داشتن اذن از جانب انبیاء یا اولیاء یا اوصیاء الهی ع اقدام به تبلیغ احکام دین و دخالت در امور عباد می‌نمایند.

نتیجه می‌گیریم به هیچ وجه تحمیل عقیده در اعتقادات اسلام وجود ندارد بلکه آزادی و انتخاب آزاد عقیده مبنای پذیرفته شده اسلام است. آیات متعدّد دیگری نیز وجود دارد که می‌توان از آنها استنباط را دریافت. در سوره مائده می‌فرماید: «بر پیامبر جز رساندن پیام وظیفه‌ای نیست».<sup>۶۰</sup> و در سوره بقره می‌فرماید: «هدایت ایشان بر تو نیست و خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند».<sup>۶۱</sup> و در آیه دیگر در سوره مائده می‌فرماید: «اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را و بترسید، پس اگر روی برتایید پس بدانید که بر پیامبر ما چیزی جز رساندن پیام آشکار وظیفه‌ای نیست».<sup>۶۲</sup>

در این ارتباط در پیام به کنفرانس صلح ادیان می‌فرمایند<sup>۶۳</sup>: «... اعتقادات دینی کاملاً شخصی است و قابل تحمیل به دیگری نمی‌باشد بدیهی است متدین به هر دینی، اعتقادات خود را برتر می‌داند و به همین جهت است که از میان تمام ادیان همان دین را انتخاب کرده است. وجه مشترک همه آنها «تدین» است یعنی قبول عقاید و تعالیمی معنوی و تقید و تسلیم به نظام معنوی اجتماعی خاصی. ما مسلمانان که اسلام را انتخاب کرده‌ایم، آن را دین صلح و صفا و آزادی دانسته‌ایم و با همه تکریم‌شدگان (بنی آدم) انس و تعامل معنوی داریم و چون معتقدیم که: لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ<sup>۶۴</sup>، لذا برای همگان این حق - و بلکه وظیفه - را قائلیم که به جستجوی نظام برتر معنوی پردازند و لازمه وجود امکانات آزاد چنین جستجویی را استقرار صلح در جهان می‌دانیم و از نظر ما وظیفه همه افراد بشر بخصوص دینداران عالم، حفظ و استقرار چنین صلحی است. علی‌الخصوص سلوک عرفانی را برای متدینین به همه ادیان لازم می‌دانیم. عرفان که در واقع معنای واقعی و روح همه ادیان الهی است، وسیله ارتباط و وجه مشترک آنان می‌باشد. ...»

البته باید ذکر کرد اعتقادات در زمره ایمان قرار می‌گیرد و عدم تقید به احکام فردی شریعت اسلام نیز تا زمانی که به حقوق دیگران تجاوز نماید قابل اعتراض نیست. ولی احکام اجتماعی اسلام چون مستلزم ملاحظه حقوق دیگران است قابل اغماض نمی‌باشد و علی‌القاعده رعایت آن بر شهروندان تکلیف است. لذا باید گفت که آزادی عقیده و فکر و مذهب در اسلام با محدودیت‌هایی روبرو است و مرز این محدودیت‌ها تقریباً همان چیزی است که در اصول دموکراسی‌های امروزی از آن صحبت به میان می‌آید. یعنی آزادی فرد تا جایی گسترش می‌یابد که به آزادی دیگران

<sup>۵۹</sup> - سوره نمل آیات ۸۰ و ۸۱، إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ وَ مَا أُنْتَبِهُادِي الْعُمِّي عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ.

<sup>۶۰</sup> - سوره مائده، آیه ۹۹، مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ. و همچنین در سوره نور آیه ۵۴ و عنكبوت آیه ۱۸: وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. و در سوره یس آیه ۱۷، وَ مَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. و در سوره آل عمران آیه ۲ و سوره نحل، آیه ۸۲، وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ. و همچنین آیه ۴۸ سوره شوری إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ.

<sup>۶۱</sup> - سوره بقره آیه ۲۷۲، لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ.

<sup>۶۲</sup> - سوره مائده آیه ۹۲: وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

<sup>۶۳</sup> - متن پیام افتتاحیه حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه به کنفرانس صلح ادیان، بنیاد هماهنگی ادیان و صلح جهانی (Foundation for Religious Harmony and Universal Peace)، ۳۱-۲۹ فروردین ۱۳۸۴، (۲۰-۱۸ آپریل ۲۰۰۵)، هندوستان، دهلی نو. این نامه خطاب به آقای Maharishi Kapil Adwait است. صلح ادیان، عرفان ایران، مجموعه مقالات، گردآوری و تدوین دکتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۲۲، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۴، صص ۹-۵. مختصر شرح این کنفرانس در همان شماره در مقاله: کنفرانس بنیاد هماهنگی ادیان و صلح جهانی، حسینعلی کاشانی، صص ۱۳۶-۱۲۵ آمده است.

<sup>۶۴</sup> - سوره بقره، آیه ۲۵۶.

لطمه‌ای وارد نسازد. در اسلام نیز اجازه آزادی فردی در گسترده‌گی تا جایی خواهد بود که به آزادی و دین دیگران لطمه‌ای وارد نسازد.

## ۷۸- اصل احترام به عقیده دیگران و منع تفتیش عقیده

در اسلام هر کس آزاد است عقیده خود را داشته باشد و در این باب هیچ اجبار و اکراهی نیست. بزرگترین عقاید و رویه‌های فکری در جوامع انسانی عقاید دینی و مذهبی است و اتخاذ این عقیده برای هر کس آزاد است. آیه لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ<sup>۶۵</sup> خطاب رسول اکرم ص به کافران است و اعلام اینکه شما به دین خود باشید و من هم به دین خود هستم و تعرضی به عقیده یکدیگر نباشد. در باب پذیرش عقیده نیز در سوره زمر می‌فرماید: «به آن دسته از بندگانی بشارت ده که گفتار را می‌شنوند و نیکوترین آنها را پیروی می‌کنند.»<sup>۶۶</sup>

احترام به عقیده در سطوح ملت‌ها در جهان بسیار پراهمیت است زیرا تنوع کشورها و اقوام و ملل باعث تنوع شدید عقاید در میان اقوام و ملل مختلف جهان شده است. اسلام عقیده هر کس را برای خودش محترم می‌داند و همانطور که در اصل عدم جواز به توهین یا استهزاء دیگران ذکر شد در اسلام اجازه داده نشده که کسی با هر عقیده‌ای مورد استهزاء قرار گیرد.

استثناء این اصل در عقیده شرک است که برای تحریض مشرکین از رها نمودن عقاید متحجرشان مبنی بر پرستیدن اجسام به عنوان خدا در اسلام برخورد تحقیرآمیزی با این طرز فکر می‌شود. در غیر این صورت عقیده همه مردم و ملل عالم اعم از فردی یا اجتماعی محترم است. به این مباحث در اصل بیزاری از مشرکین و اصل عدم جواز به تحمیل عقیده پرداختیم.

## ۷۹- اصل انطباق گفتار با کردار

این اصل پراگماتیسم خاصی را در وحدت علم و عمل در اسلام مطرح می‌سازد که در همه زمینه‌های عملی مصداق می‌یابد. اسلام به هر چه اعتقاد دارد عمل می‌نماید و به آنچه که عمل می‌نماید همان چیزی است که به آن اقرار دارد. مواظب اسلام برای دولت اسلام و مؤمنین و مسلمین در درجه اول است و نه آنکه تکلیف برای ملل دیگر باشد. اگر سیاستی یا عملی برای ملتی یا گروهی از آن ملت یا هیئت حاکمه آن صحیح تجویز شود برای خود دولت اسلام نیز به صحت تجویز می‌گردد. در سوره بقره می‌فرماید: «کتاب را می‌خوانید، مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟»<sup>۶۷</sup> این وحدت علم و عمل یکپارچگی شدیدی در سطح بین‌المللی ایجاد می‌نماید و از الزامات حکومت اسلام است. برای مثال اگر تروریسم از لحاظ اسلام مردود است اعمال آن در همه جا پنهان یا آشکار ممنوع است.

در مغایرت گفتار و عمل خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا سخنانی

<sup>۶۵</sup> - سوره کافرون، آیه ۶، شما به دین خود و من به دین خود.

<sup>۶۶</sup> - سوره زمر آیات ۱۸ - ۱۷، فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.

<sup>۶۷</sup> - سوره بقره، آیه ۴۴، أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ.

می‌گویند که به کارشان نمی‌بندید. خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویند ولی عمل نکنید.<sup>۶۸</sup> حتی در آیات دیگر بر این امر تصریح می‌دارد که گفتار هم باید با اعتقاد همراه باشد. در سوره فتح در ذم برخی اعراب بادیه‌نشین می‌فرماید: «به زبان چیزی می‌گویند که در دلشان نیست.»<sup>۶۹</sup> و در ذم کسانی که نفاق می‌کنند می‌فرماید: «آنان به کفر نزدیک‌ترند تا به ایمان به زبان چیزهایی می‌گویند که به دل اعتقاد ندارند.»<sup>۷۰</sup>

## ۸۰- اصل ناپسندیدگی کید و نیرنگ سیاسی و اقتصادی

شعار *النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ* (نجات در راستی است) یکی از امهات و اصول مبنایی در اسلام است. همانطور که اشاره شد اصطلاحاً اصل چیزی است که چیز دیگر بر آن بنا شود.<sup>۷۱</sup> راستی و درستی نیز در اسلام اصل تلقی می‌شوند و احکام بسیاری بر این اصول استوارند. این احکام از زندگی فردی، خانوادگی، شغلی، اجتماعی تا بین‌المللی به سادگی قابل تعمیم هستند.

در قرآن کریم آیات بسیاری درباره مکر و کيفر مکرکنندگان آمده است که این عمل را نکوهش می‌کند و جزای سختی نیز برای آن برمی‌شمرد. مفهوم کید و نیرنگ یا حيله در ارتباط مستقیم با ضایع کردن حق یا حقوق دیگران به نفع خود از طریق اعمال روشهایی است که به نحوی صاحب حق آگاهانه یا ناآگاهانه، به اختیار یا بدون اختیار به رضایت یا عدم رضایت حق خود را بدون دریافت عوض عادلانه به نفع فرد متقابل از دست دهد.

در تعریف مکر می‌فرمایند: «مکر مخفی کردن مقصود و اظهار غیر آن در جهت عجز از حصول مقصود به صورت آشکار می‌باشد و به این معنی اطلاق مکر بر خدا جایز نیست مگر از باب مشاکله.»<sup>۷۲</sup> بر اساس تعریف فوق شاید اعمال و رفتار اکثر قریب به اتفاق افراد روی زمین مملو از مکر باشد. هرچه این مکر به راستی تبدیل گردد صحت نفس افزون خواهد شد ولی به هر حال این تکلیف مالایطاق خواهد بود و بشر معمولی توان گذر از خم این تکلیف را ندارد که بتواند ظرائف مکر و حيله‌های نفس خویش را به صدق کشاند. در هر دو بُعد اجتماعی و سیاسی وجدان‌های فرد و اجتماع خودشان مکر و حيله‌های ظاهر شده با دیگران برای جلب منافع فردی و یا اجتماعی را تشخیص می‌دهند. دور از شأن حکومت اسلام است که در جهت حفظ منافع خود با تصرف حق دیگران به حيله روی آورد و منافع و حقوق دیگران را از آن خود نماید. اسلام و حکومت اسلام و نبی و ولی و وصی ع همگی حکم اولیاء بشریت را دارند و اعتلای بشریت را مد نظر دارند و نه منافع شخصی یا گروهی یا قومی یا ملی خویش را. بلکه همانگونه که اسلام در صحنه بین‌المللی مرز نمی‌شناسد در مقام ابوت نیز نسبت به همه خلق خدا جنبه پدری دارد. و پدر یک خانواده با حيله و خدعه و مکر جلب منافع از فرزندان نمی‌کند بلکه می‌کوشد تا همه فرزندان به نوا و نعمت رسند.

به هر حال در قرآن کریم می‌فرماید: «و مکر نمی‌کنند مگر به خودشان و نمی‌دانند.»<sup>۷۳</sup> که زبان مکر به خود ایشان

<sup>۶۸</sup> - سوره صف، آیات ۲-۳، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.

<sup>۶۹</sup> - سوره فتح، آیه ۱۱، يَقُولُونَ بِاللَّيْسِ فِي قُلُوبِهِمْ.

<sup>۷۰</sup> - سوره آل عمران، آیه ۱۶۷، هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ.

<sup>۷۱</sup> - الاصل مابینی علیه شیء غیره. شرح امثله، جامع المقدمات ص ۶۲، انتشارات دارالفکر، قم، ۱۳۷۷.

<sup>۷۲</sup> - بیان السعاده فی مقامات العباده. جلد سوم ترجمه، ص ۲۶۵ ذیل آیه ۵۴ سوره آل عمران. وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ.

<sup>۷۳</sup> - سوره انعام، آیه ۱۲۳. وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ.

می‌رسد. و می‌فرماید: «آیا آنان که مرتکب حيله‌های بد می‌شوند مگر ایمنند از اینکه زمین به فرمان خدا آنها را فرو برد یا عذاب از جایی که نمی‌دانند بر سرشان فرود آید.»<sup>۷۴</sup> و در سوره فاطر می‌فرماید: «و برای آنان که از بدی حيله می‌کنند عذاب سختی است و مکرشان نیز از میان برود.»<sup>۷۵</sup> و در همین سوره باز می‌فرماید: «گردن کشی در زمین و حيله‌های بد، و حيله‌های بد جز حيله‌گران را برنگیرد.»<sup>۷۶</sup> این آیه همچنین به مفهوم گردن‌کشی‌های بین‌المللی بر علیه ملل ضعیف و حيله در تصرف حقوق مسلم آنان قابل تأویل است به عبارت دیگر بکار بردن حيله بد در جهت استکبار و خودیت و مائیت ملی خود سبب می‌شود که این آسیب به خود باز گردد. در تفسیر این آیه آمده است: «مکر و حيله جز صاحبش را هلاک نخواهد کرد، چون مکرکننده در هنگام مکر مورد سخریه شیطان و محاط به او قرار می‌گیرد و محکوم او می‌گردد و داخل شدن در تحت حکومت شیطان عذاب عاجل برای انسانیت انسان است قبل از آنکه مکر او به طرف مورد مکر برسد و پس از رسیدن مکر به طرف مقابل درجه شخص مورد مکر بالا می‌رود یا در دنیا و آخرت یا فقط در آخرت و مکرکننده در دنیا و آخرت و یا فقط در آخرت تنزل می‌یابد.»<sup>۷۷</sup>

بکار بردن کید در امور تجاری از مسائل مشابه فوق است. هرگونه اقدامی مبنی بر پنهان کردن واقعیت در جهت انتفاع ملی از جمله مسائل ممنوعه در اسلام است. در قرآن کریم می‌فرماید: «اموال یکدیگر را به ناشایست مخورید و آن را به رشوت به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید.»<sup>۷۸</sup> و در آیه دیگر می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید.»<sup>۷۹</sup> این دو آیه از لحاظ اینکه مال متعلق به چه کسی باشد - که آن را نباید خورد - تخصیصی نخورده است. از بُعد حقوق بین‌الملل عمومی تفسیر این آیه بر این وجه است که دولت اسلام حق ندارد اموال دول یا ملل دیگر را چه به صورت گروهی و چه فردی از طریق نیرنگ و کید با حق و ناحق کردن و یا رشوت و تطمیع دیگران غصباً تصرف نماید. فقط در صورتی می‌تواند اقدام به تصرف کند که تجارت مرضی طرفین برقرار بوده باشد. و در این تجارت باید منطبق با کیل عمل کند حتی باید ترازویش سنگین باشد که می‌فرماید: «انان که ترازویشان سنگین باشد خود رستگارانند و آنان که ترازویشان سبک باشد به خود زیان رسانیده‌اند و در جهنم خواهند ماند.»<sup>۸۰</sup> و امر خدا بر این است که «پیمانه و ترازو را از روی عدل تمام کنید.»<sup>۸۱</sup> و می‌فرماید: «پیمانه را تمام پردازید و کم‌فروشی نکنید و با ترازوی درست وزن کنید، به مردم کم مدهید و بی‌باکانه در زمین فساد مکنید.»<sup>۸۲</sup> و در سوره مطففین آیه ویل برای کم‌فروشان نازل شده است

<sup>۷۴</sup> - سوره نحل، آیه ۴۵. أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ.

<sup>۷۵</sup> - سوره فاطر، آیه ۱۰. وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ.

<sup>۷۶</sup> - سوره فاطر، آیه ۴۳. اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ.

<sup>۷۷</sup> - بیان السعاده فی مقامات العباد، ترجمه، جلد ۱۲، صص ۱۵۸-۱۵۷.

<sup>۷۸</sup> - سوره بقره، آیه ۱۸۸، وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ.

<sup>۷۹</sup> - سوره نساء آیه ۲۹، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.

<sup>۸۰</sup> - سوره مؤمنون، آیات ۱۰۳ - ۱۰۲، فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ. همچنین آیات ۹ - ۸ سوره اعراف: فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ.

<sup>۸۱</sup> - سوره انعام، آیه ۱۵۲، وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ.

<sup>۸۲</sup> - سوره شعراء، آیات ۱۸۳ - ۱۸۱، أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي



که می‌فرماید: «وای بر کم‌فروشان، آنان که چون از مردم کیل می‌ستانند آن را پر می‌کنند و چون برای مردم می‌پیمایند یا می‌کشند از آن می‌کاهند. آیا اینان نمی‌دانند که در آن روز بزرگ زنده می‌شوند.»<sup>۸۳</sup> و باز می‌فرماید: «در پیمانانه و ترازو نقصان مکنید، اینک شما را در نعمت می‌بینیم و از روزی که عذابش شما را فراگیرد بیمناکم. ای قوم، پیمانانه و ترازو را از روی عدل کامل ادا کنید و به مردم چیزهایشان را کم مدهید و چون تبه‌کاران در زمین فساد مکنید.»<sup>۸۴</sup> تمام این آیات دلالت بر وجوب رعایت صحت معاملات بین‌المللی توسط حکومت اسلامی دارد.

در تکمیل این بحث باید عنوان نمود که مکر و خدعه در آیاتی که درباره آنها ذکر شد مکر بد یا حیلۀ بد مدّ نظر است ولی بسیاری از مکرها نیز هستند که مکر و حیلۀ خوب تلقی می‌شوند و خداوند از مکر خودش در این باب ذکر می‌فرماید که: «آنان مکر کردند و خدا هم مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است.»<sup>۸۵</sup> مکر خداوند یا در جهت تنبیه و تنبّه و هدایت خلق است یا پاداش عمل انسان‌هاست و مکر خداوند زمانی واقع می‌شود که بخواهد مشیت الهی با سرعتی بیش از سیر و سباحت تکوین از قوه به فعل درآید و یکی از این موارد، پاسخ به مکر مکاران متکبر یا ظالم است و در این مقام مکر خدا برای از بین بردن مکر مکاران است که فرمود: «و مکر کردند مگری، و مکر کردیم مگری، و آنها نمی‌دانند پس بین چگونه بود عاقبت مکر آنها.»<sup>۸۶</sup> و می‌فرماید: «آنان مکر کردند و خدا نیز مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است.»<sup>۸۷</sup> و خداوند می‌فرماید: «بگو که مکر خدا سریعترین است.»<sup>۸۸</sup> پس براساس این آیات می‌توان جواز مکر را هنگام مکر ستمکاران دانست و از این طریق مکاران مجرم را به جزای اعمالشان رسانید. آیه زیر تصریح می‌فرماید: «بزودی به مجرمان به کیفر مگری که کرده‌اند از جانب خدا خواری و عذاب شدید خواهد رسید.»<sup>۸۹</sup> و باز می‌فرماید: «و برای آنان که از روی مکر به تبهکاری می‌پردازند عذابی است سخت و مکرشان نیز از میان برود.»<sup>۹۰</sup> و همه این آیات دلالت بر این دارند که جزای مکر باید داده شود حتی به مکر.

یکی از موارد این بحث بکار بردن مکر در جنگ‌هاست، و همانطور که در بخش جنگ و احکام آن درج شد در اسلام جنگ به نیت مقدّسی از جمله دفاع صورت می‌گیرد و در این راستا در پاسخ به مکر متجاوز اعمال مکر نه تنها جایز بلکه واجب است. این وضعیّت را در رویارویی حضرت امیر ع با عمر بن عبدود می‌خوانیم که وی فردی قوی هیکل و تنومند بود و از جنگجویان نامی اعراب به شمار می‌رفت و حضرت امیر ع کوتاه قد و در جنگ تن به تن در

الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

<sup>۸۳</sup> - سورة مطففين، آیات ۵- ۱، وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ.

<sup>۸۴</sup> - سورة هود، آیات ۸۵- ۸۴، وَلَا تَنْقُضُوا الْمِيثَاقَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِيزَانَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. همچنین آیه ۸۵ سورة اعراف، فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَنْفُسُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ.

<sup>۸۵</sup> - سورة آل عمران، آیه ۵۴. وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرًا اللَّهُ خَيْرٌ لِّلْمَاكِرِينَ.

<sup>۸۶</sup> - سورة نمل، آیات ۵۱- ۵۰، وَمَكْرُؤًا مَّكْرًا وَّمَكْرًا مَّكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْرِهِمْ.

<sup>۸۷</sup> - سورة انفال، آیه ۳۰، وَيَمَكُرُونَ وَيَمَكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ.

<sup>۸۸</sup> - سورة يونس، آیه ۲۱، قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا.

<sup>۸۹</sup> - سورة انعام، آیه ۱۲۴: سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ.

<sup>۹۰</sup> - سورة فاطر، آیه ۱۰، وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ.

ظاهر قضیه ضعیف تر بود. حضرتش در میدان نبرد به او فرمود که تو که اینقدر لاف شجاعت می زنی چرا با خود این همه لشگر آورده ای. وی از غرور به پشتش نگاه کرد و در این هنگام حضرت با شمشیر پاهای وی را قلم کردند که بر زمین افتاد. وقتی حضرت بر سینه وی فرود آمدند خدوئی بر روی مبارک حضرتش انداخت و حضرت از روی سینه او پا شدند و او را نکشتند و تأمل فرمودند تا غضب حضرتش فرو نشست. عبدود عرض کرد چرا در دم مرا نکشتی؟ فرمود در آن موقع که خدو انداختی غضب در من بجنیید و اگر در آن حال تو را می کشتم برای ارضاء نفس خود کشته بودم لذا تأمل کردم تا غضب فرو نشیند که من بنده امر حقم و برای حق شمشیر می زنم نه برای ارضاء نفس خود...<sup>۹۱</sup>

## ۸۱- اصل صداقت در مذاکرات

همواره در طول تاریخ، نمایندگان دول مقتدر به شیوه های مختلف و با کیدها و نیرنگ های دیپلماتیک در خلال قراردادهای متعدّد با کشورهای ضعیف و عقب مانده موادی گنجانده اند که به ضرر ملل محروم آن کشورها بوده و منافع ملی کشورهای ضعیف را به نفع کشور متبوع خود به تاراج برده اند. بسیاری از این قراردادها در ظاهر مودت آمیز و دوستانه بوده ولی در عمل باعث سوء استفاده از ضعف و عقب افتادگی ملت طرف قرارداد گردیده است. این گونه امور در سیاست خارجی و دیپلماسی دولت اسلام ممنوع است. وظیفه دولت اسلام جلب منافع مادی برای خود نیست. دولت اسلام به دنبال هدف بزرگتری است که آن اعتلای بشریت است که از مرزهای موضوعه فراتر می رود و سایه بزرگی و لطف خود را بر همه ملل عالم بالاخص مظلومین می گستراند.

در مذاکرات اصل صداقت و عدالت از مواردی است که باید توسط حکومت اسلام رعایت شود. این وظیفه بر اساس آیات متعددی واجب می شود. می فرماید: «و هرگاه سخن گوئید پس عادلانه گوئید هر چند به زیان خویشان باشد»<sup>۹۲</sup> در سوره بقره می فرماید: «حق را ملبس به باطل نکنید و با آنکه حقیقت را می دانید حق را کتمان نکنید»<sup>۹۳</sup> در آیه دیگر می فرماید: «ای اهل کتاب با آنکه از حقیقت آگاهید چرا حق را به باطل مشتبه می کنید و حقیقت را کتمان می نمائید»<sup>۹۴</sup> این خطاب به اهل کتاب در این آیه مشمول خطاب به مسلمین این زمان نیز می باشد زیرا مسلمین این زمان همانند اهل کتاب در صدر اسلام نبی یا ولی یا وصی آخر زمان را نمی شناسند و انکار می کنند و از نگاه ایشان حضرتش در غیبت است. همان عمل آنها نیز بر مسلمین این زمان مصداق دارد که فرمود: «و خدا از کسانی که به آنها کتاب داده شد میثاق گرفت که برای مردم آشکارش سازند و کتمانش نکنند ولی آنها به پشتشان افکندند و در مقابل بهای اندکی گرفتند چه بد معامله ای کردند»<sup>۹۵</sup> و مسلمین در این زمان نیز از گروه کتاب داده شدگانند.

<sup>۹۱</sup> - شرح این حکایت در دفتر اول مثنوی مولانا جلال الدین مولوی در حکایت خدو انداختن خصم بر روی امیرالمومنین علی علیه السلام و انداختن آن حضرت شمشیر از دست و دو حکایت بعد از آن آمده است.

<sup>۹۲</sup> - سوره انعام، آیه ۱۵۲. وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْبُدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ.

<sup>۹۳</sup> - سوره بقره، آیه ۴۲، وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْفُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

<sup>۹۴</sup> - آیه ۷۱ سوره آل عمران. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْفُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

<sup>۹۵</sup> - آیه ۱۸۷ سوره آل عمران، وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْفُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّنَّ مَا يَشْتَرُونَ.

در سورهٔ مریم می‌فرماید: «و در این کتاب از اسماعیل یاد کن. او درست وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود.»<sup>۹۶</sup> در این آیه واژه «صَادِقُ الْوَعْدِ» بکار رفته شده که مفهوم صداقت در وعده به دیگران را دارد. مذاکرات دیپلماتیک در عرصهٔ جهان گذشته و حال همگی بر مبنای منافع و بده بستان قرار داشته و دارد. دیپلمات‌ها نیز بر این اصل می‌کوشند تا با اعطای امتیازات کم امتیازات بیشتری دریافت دارند. این گونه مذاکرات و چانه‌زنی برای کسب منافع از سنن و رسوم دیپلماسی معاصر است. در اسلام این مذاکرات نه برای جلب منفعت است بلکه برای احقاق حق است و اگر حق متعلق به طرف مقابل باشد باید به وی اعطاء گردد نه اینکه با ناصداقتی آن را به تصرف خود یا دولت خود درآورد زیرا در این صورت تصرف در مال غصبی نموده که در اسلام تصرف در غصب و اکل اموال غیر مجاز شناخته نشده است. لذا اصل صداقت در مذاکرات در اسلام بر این مبنا قرار دارد و وظیفهٔ دیپلمات که مأمور است و مسؤول این است که حق محق را به وی بازگرداند حتی اگر به زیان ملت خویش باشد. در قرآن کریم می‌فرماید: «به مال یتیم نزدیک مشوید مگر به نیکوترین وجهی که به صلاح او باشد تا به نیروهای خویش برسد و پیمانان و وزن را از روی عدل تمام کنید. ما به کسی جز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌کنیم و هرگاه سخن گوئید عادلانه گوئید هرچند به زیان خویشاوندان باشد و به عهد خدا وفا کنید اینهاست آنچه شما را بدان سفارش می‌کند باشد که یاد دارید.»<sup>۹۷</sup> همانطور که در تأویل این آیه در روابط بین‌الملل، خویشان به ملت اسلام، و یتیم به ملل غیرمسلم قابل تأویل است و دستور وفای به عهد و تکلیف در اندازهٔ توان اشاره به مسؤولیت مأمور یا دیپلمات در اسلام می‌تواند معنی و تأویل گردد.

در مذاکرات چندجانبه نیز طرفداری و معیت باید از صادقین باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و با راستگویان باشد.»<sup>۹۸</sup> از این آیه معیت و همراهی با صادقین در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی قابل استنباط است.

## ۸۲- اصل ممنوعیت جعل کلام، دروغ و بهتان سیاسی

متأسفانه صحنهٔ فعالیت‌های دیپلماتیک و سیاست خارجی جهان امروز بدون توجه به حیثیت اخلاقی بشر از پرداختن به دروغ و بهتان نسبت به دول مختلف خالی نیست؛ بلکه حتی دیده می‌شود که بهتان و دروغ عملاً روال متداول جریان روابط بین‌الملل و فعالیت‌های دیپلماتیک بین‌المللی را در مسیری قرار داده که ترک آن بدون هزینه نمی‌باشد. این عرف بین‌المللی در میان دول مختلف براساس پابندی دولتمردان آنها به اصول صداقت و راستی کم و بیش متفاوت است این تفاوت ناشی از این اصل است که: همواره سیاستمداران در خدمت سرمایه‌داران عالم بوده و هستند و تلاش آنها و تصمیماتشان در جهت حفظ و تأمین منافع ایشان بوده و نمی‌توانند و نمی‌خواهند که با صداقت به این مسئله اعتراف نمایند لذا بنای دروغ از همین جا آغاز می‌شود. انتخاب و حتی انتصاب سیاستمداران عالم مبتنی بر وعده و وعیدهای به عامه و تعهدات و دلگرمی‌ها به صاحبان ثروت و قدرت است. کمتر مواردی مشاهده می‌شود که منتخبین و یا منتصبین به دلیل صلاحیت و کفایت و شایستگی علمی، اخلاقی و عملی به این سمت‌ها برگزیده شوند. این مقدمه

<sup>۹۶</sup> - سورهٔ مریم، آیهٔ ۵۴. وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا.

<sup>۹۷</sup> - سورهٔ انعام آیهٔ ۱۵۲. وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْاَيْتِمِ اِلَّا بِالْبَالِغِي هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهُ وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا وَ اِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَ بَعِثْ اللّٰهُ اَوْفُوا ذٰلِكُمْ وَ صَآكُم بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ.

<sup>۹۸</sup> - سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۹، يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ كُوْنُوا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ.

دلالیت بر نفع پرستی و ریاست طلبی غالب قریب به اتفاق حُکام ملل عالم در گذشته و حال و آینده است و لذا باید در عمل انتظار داشت که در برخورد با واقعیات عندالزوم اقدام به جعل کلام، دروغ، بهتان، ناصداقتی و... بنمایند.

این موضوع مبحث تازه‌ای در رفتار بشر نیست و همواره بوده و هست و خواهد بود؛ منتهی شدت و ضعف آن در میان اقوام و تابعین ادیان و در ازمه و امکانه مختلف متفاوت می‌باشد. در قرآن کریم نیز به جعل کلام و تحریف آن اشاره شده است. در سور مختلف با شبه جمله «تحریف کلام از موضع خودش»<sup>۹۹</sup> یا «تبدیل کلام»<sup>۱۰۰</sup> به این جعل اشاره می‌شود. کلام دروغ و انتساب آن به دیگران و تشییع خلاف به بهتان یا افک یا افترا همه در اسلام ممنوع و مردود است. می‌فرماید: «وای بر هر دروغ‌پرداز گناهکار»<sup>۱۰۱</sup> و فرمود: «خداوند آن که دروغگو و ناسپاس باشد را هدایت نمی‌کند»<sup>۱۰۲</sup> و می‌فرماید: «کسانی که دروغ می‌بافند (افترا می‌بندند) به آیات خدا ایمان ندارند و آنها خود دروغگویند»<sup>۱۰۳</sup> و می‌فرماید: «و هر که خود خطائی یا گناهی کند آنگاه بی‌گناهی را بدان متهم سازد، هرآینه بار تهمت و گناهی آشکار را بر دوش خود کشیده است»<sup>۱۰۴</sup> این قاعده از کوچکترین جوامع انسانی یعنی خانواده و روابط زن و شوهر تا سطح بین‌الملل مصداق دارد. می‌فرماید: «اگر خواستید زنی به جای زنی دیگر بگیرید و او را قطاری مال داده‌اید، نباید چیزی از او بازستانید. آیا تهمت می‌زید تا باز پس گیرید؟ و این گناهی آشکار است»<sup>۱۰۵</sup>.

خلاصه کلام در این است که نباید برای حصول اهداف سیاسی متوسل به دروغ و جعل کلام و بهتان و افک و افترا در عرصه بین‌المللی شد. بسیار مشاهده شده که در طول تاریخ دولت‌ها اقدامات ناصوابی نموده و آن را به گردن دولت‌ها یا ملت‌های دیگر انداخته‌اند. اینگونه اعمال در اسلام ممنوع است همانگونه که وجدان حکم به تخلف آنها می‌نماید.

### ۸۳- اصل عدم جواز به توهین یا استهزاء

سب، توهین یا استهزاء در شأن اسلام و دیپلمات اسلام و فرد مسلمان نیست و در قرآن کریم شدیداً نهی شده است. در سوره انعام می‌فرماید: «و دشنام مدهید کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند»<sup>۱۰۶</sup> و در جای دیگر می‌فرماید: «وای بر کسانی که به تمسخر عیوب دیگران را به نمایش می‌گذارند»<sup>۱۰۷</sup> این آیات نشان می‌دهند که هرگونه اهانت، مرده‌باد، مرگ‌بر، کاریکاتور کشیدن، مجسمه رؤسای کشورهای مختلف را آتش زدن، شکلک در آوردن، پرچم

<sup>۹۹</sup> - سوره نساء، آیه ۴۶، يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ وَ هَمَجِنِينَ سوره مائده، آیه ۵. و در سوره مائده آیه ۴۱، يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ.

<sup>۱۰۰</sup> - سوره فتح، آیه ۱۵: يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ فِي سِوَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهِ الْآيَاتِ وَالْحَقُّ لِلَّهِ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْطٍ وَ عِقَابٍ أَلِيمٍ. و در سوره کهف آیه ۲۷، وَ لَا تُبَدِّلْ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ. یعنی سخنان خدا را تغییردهنده‌ای نیست. و در سوره یونس، آیه ۶۴، لَا تُبَدِّلْ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ.

<sup>۱۰۱</sup> - سوره جاثیه، آیه ۷. وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ.

<sup>۱۰۲</sup> - سوره زمر، آیه ۳. إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ وَ هَمَجِنِينَ در آیه ۲۸ سوره مؤمن: «خداوند کسی که اسراف کننده دروغگو است را هدایت نمی‌کند»: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ.

<sup>۱۰۳</sup> - سوره نحل، آیه ۱۰۵، إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكُذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ.

<sup>۱۰۴</sup> - سوره نساء: آیه ۱۱۲، وَ مَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَ إِثْمًا مُّبِينًا.

<sup>۱۰۵</sup> - سوره نساء آیه ۲۰، وَ إِنِ ارْتَدْتُمْ اسْتَبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِخْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أ تَأْخُذُوا مِنْهُ بُهْتَانًا وَ إِثْمًا مُّبِينًا.

<sup>۱۰۶</sup> - سوره انعام، آیه ۱۰۸. وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

<sup>۱۰۷</sup> - سوره همزه، آیه ۱. وَيَلُّ لِكُلِّ هَمْزَةٍ لَمَزَةٍ. برخی ترجمه می‌نمایند: وای بر هر عیبجوی هرزه زبان.

کشوری را آتش زدن یا بر زمین انداختن یا تصویر پرچم کشوری را بر زمین زیر پای مردم برای تخفیف و خوار کردن آن کشیدن و نمایش تلویزیونی دلچکی نشان دادن یا لطفیه‌ها یا سرودهای نامحترمانه و مستهزی دربارهٔ یک کشور ساختن و از رادیو پخش کردن و بسیاری موارد دیگر همه و همه خلاف دستور اسلام است و نه تنها باعث شوکت اسلام نمی‌شود بلکه به خواری آن می‌انجامد. در سورهٔ حجرات می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبدا که گروهی از مردان گروه دیگر را مسخره کند شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند و مبدا که گروهی از زنان گروه دیگر را مسخره کنند شاید آن مسخره شدگان بهتر از آنها باشند و از هم عیبجویی نکنید و یکدیگر را به القاب زشت بخوانید. بد است عنوان فسق پس از ایمان آوردن و کسانی که توبه نمی‌کنند خود ستمکارانند.»<sup>۱۰۸</sup> بلکه بطور کلی در سورهٔ بقره می‌فرماید: «آیات خدا را به ریشخند و استهزاء مگیرید.»<sup>۱۰۹</sup> و آیات الهی شامل کلیه موجودات عالم می‌شوند که به عنوان نشانه‌ای از او تلقی می‌گردند.

در سورهٔ نساء می‌فرماید: «خدا بلند کردن صدا را به بدی دوست ندارد، مگر برای کسی که به او ظلم شده باشد.»<sup>۱۱۰</sup> و به عبارت دیگر کسی حق ندارد به شخص دیگری به بدگویی، استهزاء، تحقیر، تمسخر به هر صورت و شکلی پردازد. ولی ستمدیده حق دارد که دادخواهی کند و تا رفع ستم آوازش را به اعتراض بلند کند.

#### ۸۴- اصل تحیت و دفع حسن و جزاء احسن

یکی از اصول اخلاق اسلامی برخورد نیکو و پاسخ خوب و پاداش بهتر از عمل طرف مقابل است. این اصل یکی از اصول اخلاقی- اجتماعی بسیار مهم است که متأسفانه ما مسلمین کمتر به آن می‌پردازیم در صورتی که آیات زیادی در قرآن راجع به آن نازل شده است و عدم توجه ما مسلمین به آن باعث گردیده که ملل و اقوام و صاحبان سایر ادیان گرایش زیادی به اسلام نشان ندهند. چه که از لحاظ روانشناسی فردی و اجتماعی، ابناء بشر با خوش خلقی جذب و با بد خلقی دفع می‌شوند و کم کسانی هستند که به خلق نگاه نکنند و به حق و حقانیت دعوی یا موضوع پردازند. در قرآن کریم خطاب به رسول اکرم ص آمده است که: «و به سبب رحمت خداست که تو با آنها اینچنین خوشخوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سختدل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس بر آنها بیخش و بر ایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدا توکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست دارد.»<sup>۱۱۱</sup> در سورهٔ قلم به حضرتش می‌فرماید: «دوست دارند تا تو مداهنه کنی تا آنان مداهنه کنند.»<sup>۱۱۲</sup> در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «مداهنه و ادهان اظهار خلاف آن چیزی است که در ضمیر است و به معنای غش است. آنان غش تو یا نفاق تو یا مدارا کردن تو را که خلاف ما فی الضمیر خود را اظهار کنی دوست دارند تا بتوانند بعد از تو مستمراً مداهنه کنند.»<sup>۱۱۳</sup> به

<sup>۱۰۸</sup> - آیه ۱۱ سورهٔ حجرات، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بئسَ الاسمُ الفسوقُ بعدَ الإيمانِ وَ مَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

<sup>۱۰۹</sup> - آیه ۲۳۱ سورهٔ بقره: وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا.

<sup>۱۱۰</sup> - سورهٔ نساء آیه ۱۴۸، لَا يُجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ.

<sup>۱۱۱</sup> - سورهٔ آل عمران، آیه ۱۵۹، فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَضَوْنَا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.

<sup>۱۱۲</sup> - سورهٔ قلم، آیه ۹، وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ قَدْهُنَّ.

<sup>۱۱۳</sup> - بیان السَّعَادَةِ فِي مَقَامَاتِ الْعِبَادَةِ، جلد ۱۴ ترجمه، ص ۲۶۷.

عبارت دیگر شرح روانشناسی افراد متخاصم را بیان می‌کند. بر این اساس است که به رسول گرامی ص امر می‌شود که: «به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند که شیطان در میان آنها به فتنه‌گری است.»<sup>۱۱۴</sup>

قرآن گرچه قصاص و جزای هر بدی را بدی مثل آن مقرر می‌فرماید ولی علو درجات احسان و نیکی را برتر از این مقابله به مثل قرار می‌دهد. می‌فرماید: «جزای هر بدی بدی است همانند آن پس کسی که عفو کند و آشتی ورزد مزدش با خداست زیرا او ستمکاران را دوست ندارد.»<sup>۱۱۵</sup> و در سوره فصلت می‌فرماید: «خوبی و بدی یکسان نیستند همواره به بهترین وجهی دفع کن تا کسی که میان تو و او دشمن است چون دوست مهربان تو گردد.»<sup>۱۱۶</sup> و می‌فرماید: «بدی آنان را به هر چه نیکوتر پاسخ ده و بگو از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌آورم و پناه بر تو پروردگارا از این که نزد من حاضر شوند.»<sup>۱۱۷</sup>

آیات فوق دلالت بر پاسخ به عمل بد بود و نه عمل نیک. در سوره قصص خطاب به رسول گرامی اش ص است که: «همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن»<sup>۱۱۸</sup> و می‌فرماید: «آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟»<sup>۱۱۹</sup> و می‌فرماید پاداش آنان که نیکی کنند نیکی است و چیزی افزون بر آن.»<sup>۱۲۰</sup> و در سوره نساء مقرر می‌فرماید: «چون شما را به درودی نواختند به درودی بهتر از آن یا همانند آن پاسخ گوئید.»<sup>۱۲۱</sup>

در پایان این بحث بایست به این موضوع اشاره شود که می‌فرماید: «اگر نیکی کنید به خود می‌کنید و اگر بدی کنید به خود می‌کنید.»<sup>۱۲۲</sup> و در سوره فصلت می‌فرماید: «هر کس که کاری شایسته کند به خود کرده و هر که بد کند به زیان اوست و پروردگار تو به بندگان ستم روا نمی‌دارد.»<sup>۱۲۳</sup> یعنی اگر رفتار ما مسلمین باعث ذلت جوامع اسلامی در جهان شده است معلول اعمال ماست و نتیجه ظلم خداوند نیست و خداوند فرموده: «زیرا خدا نعمتی را که به قومی ارزانی داشته است تغییر ندهد تا آن قوم خودشان را تغییر ندهند.»<sup>۱۲۴</sup> و در سوره رعد می‌فرماید: «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود را تغییر دهند.»<sup>۱۲۵</sup>

۱۱۴ - سوره اسراء، آیه ۵۳، وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ.

۱۱۵ - سوره شوری، آیه ۴۰، وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

۱۱۶ - سوره فصلت، آیه ۳۴، وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ.

۱۱۷ - سوره مؤمنون آیه ۹۸-۹۶، ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يُحْضِرُونِي.

۱۱۸ - سوره قصص، آیه ۷۷، وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ.

۱۱۹ - سوره الرحمن، آیه ۶۰، هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ.

۱۲۰ - سوره یونس، آیه ۲۶، لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ.

۱۲۱ - سوره نساء، آیه ۸۶، وَ إِذَا حِيْتُمْ بِنَجِيَةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا.

۱۲۲ - سوره اسراء، آیه ۷، إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا.

۱۲۳ - سوره فصلت، آیه ۴۶، مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ. در سوره جاثیه آیه ۱۵ می‌فرماید: «هر که کار صالحی کند به خود کرده و کسی که بدی کند بر اوست آن بدی.» مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا.

۱۲۴ - سوره انفال، آیه ۵۳، ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.

۱۲۵ - سوره رعد، آیه ۱۱، إِنْ اللَّهُ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ.

## ۸۵- اصل عدم حمایت از خائن و جواز اقدام به مثل

خیانت از صفات منهیه و رذیله است که خداوند آن را بر مؤمنین منع فرموده است. در سوره انفال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و رسول خیانت نکنید و در امانت خیانت نوزید.»<sup>۱۲۶</sup> در آیه دیگری در همین سوره مجدداً خیانت به رسول را خیانت به خدا شمرده و می‌فرماید: «اگر قصد خیانت به تو را داشته باشند به تحقیق اول به خدا خیانت کرده‌اند.»<sup>۱۲۷</sup> و می‌فرماید: «همانا خدا خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد.»<sup>۱۲۸</sup>

در آیات شریفه زیر رسول اکرم ص در داوری میان مردم از جانبداری خائن ممنوع می‌شود: «ما کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم تا بدان سان که خدا به تو نشان داده است میان مردم داوری کنی و به نفع خائن به مخاصمت برنخیز و از خدا آمرزش بخواه که او آمرزنده مهربان است و به خاطر کسانی که به خود خیانت می‌ورزند مجادله مکن که خدا خائن بدکار را دوست ندارد. از مردم مخفی می‌دارند و از خدا مخفی نیست او با آنهاست که شب هنگام سخنانی ناخوشایند می‌گفتند و خدا بر آنها دانا و محیط بود. هان این شماست که در این جهان از آنان سخت جانبداری کردید کیست که در روز قیامت از آنان در برابر خدا جانبداری کند یا چه کسی و کیل آنها خواهد بود.»<sup>۱۲۹</sup>

در قرآن کریم نه تنها به رسول اکرم ص دستور می‌فرماید تا از خائنین دفاع ننماید بلکه دستور مقابله به مثل هم به حضرتش داده شده است. در سوره انفال به رسول اکرم ص دستور داده می‌شود که: «اگر می‌دانی که گروهی خیانت می‌ورزند، به آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد زیرا خدا خائن را دوست ندارد.»<sup>۱۳۰</sup> و در آیات بعد دستورات لازم برای تجهیز قوا و نیرو به حضرتش داده می‌شود.

از مصادیق خیانت در امور بین‌المللی و مباحث دیپلماسی می‌توان به عملیات جاسوسان که در وظایف خود خیانت نموده‌اند یا مأموران و فرستادگان دولتی که در انجام وظایف محوله دچار تقصیر شده‌اند و دول خارجی که به تعهدات خود عمل نموده‌اند و مسائلی از این دست اشاره کرد.

خیانت جاسوسان و مأموران دولتی یکی از مهمترین مباحث خیانت تلقی می‌شود زیرا ایشان به دلیل داشتن قوای سیاسی و اجرایی در حیطه‌هایی از امور می‌توانند با اجحاف به مردم چه داخلی و چه خارجی حقوق ایشان را زیر پا گذاشته و در رسالت خود که خدمت به اسلام و اعتلای دین و دولت اسلام و بشریت است خیانت ورزند. سابقه تاریخی نشان داده است که همواره بیشترین خیانت‌ها به ملت‌ها و دولت‌ها و بشریت از سمت این گروه به جوامع بشری وارد شده است.

<sup>۱۲۶</sup> - سوره انفال، آیه ۲۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ

<sup>۱۲۷</sup> - سوره انفال، آیه ۷۱. وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ.

<sup>۱۲۸</sup> - سوره حج، آیه ۳۸. إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ.

<sup>۱۲۹</sup> - سوره نساء، آیات ۱۰۹ - ۱۰۵، إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا. وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا. وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا. يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يُرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا. هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا.

<sup>۱۳۰</sup> - سوره انفال، آیه ۵۸. وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ.

## ۸۶- اصل عدم جواز به دادن یا ستاندن رشوه

رشوه دادن و گرفتن در اسلام منع شده و فقط استثنائی در پرداخت آن جهت اعاده حق مد نظر قرار گرفته است. این ممنوعیت با توجه به اینکه در اسلام مرز سیاسی و امت ملی کمرنگ و محدوده اسلام جهان و امت اسلامی منطبق بر امت انسانی است لذا غالب قواعد و قوانینی که بر جامعه کوچک و فرد نفوذ دارند به جوامع ماوراء کشور و بین الملل قابل تعمیمند.

در قرآن کریم در ذم حرام خواری<sup>۱۳۱</sup> رشوه می فرماید: «می بینی بسیاری از ایشان را که به گناه و تجاوز و حرام خواری می شتابند. چه بدکارهای می کردند. از چه روی روحانیون و علماء آنان را از گفتار بد و حرام خواری باز نمی دارند چه بد کارهایی می کردند.»<sup>۱۳۲</sup> لذا از لحاظ دیدگاه حقوق بین الملل اسلامی پرداخت هرگونه وجهی به سازمان های بین المللی یا کشورهای دیگر یا مأمورین یا نمایندگان آنها جهت کتمان یا تحریف حقیقت به نفع کشور خود و یا کشور دیگر ممنوع می باشد.

## ۸۷- اصل ممنوعیت غصب و اکل اموال دول و ملل دیگر به باطل

یکی از مواردی که در بین دول مختلف مشاهده می شود این است که به بهانه هایی به خود اجازه می دهند که اموال، مستغلات، حساب های بانکی و سایر دارایی های منقول و غیر منقول کشورهای دیگر یا تابعین آنها را تصرف، مصادره یا حبس نمایند یا اقدام به گروکشی کنند. این اعمال نه در حقوق داخلی اسلام و نه در حقوق بین الملل اسلامی پذیرفته نیست مگر در شرایط جنگ و حرب گرم و نه جنگ سرد و آن هم تحت شرایط خاص جلوگیری از کمک به محارب. در غیر این صورت هیچگونه جوازی برای اینگونه تجاوزات داده نشده است.

در ممنوعیت اکل اموال دیگران به باطل در قرآن تصریح شده است که: «اموال یکدیگر را به باطل مخورید و آن را به رشوت به حاکمان مدهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید و شما خود می دانید.»<sup>۱۳۳</sup> معنای لغوی اکل به مفهوم خوردن و فرو دادن لقمه منظور این آیه نیست بلکه مقصود مطلق تصرف است.<sup>۱۳۴</sup> بلکه این تصرف تنها اشاره به تصرف حقیقی ندارد بلکه شامل تصرفات اعتباری یا حقوقی یعنی تملک و تصاحب هم می شود.<sup>۱۳۵</sup> در سوره نساء می فرماید: «ای اهل ایمان اموال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي از روی رضا و رغبت کرده و خودتان را نکشید همانا که خداوند به شما بخشنده است.»<sup>۱۳۶</sup>

غصب نیز تصرف عدوانی در مال یا متعلق یا حق غیر است و بر اساس دستور اسلام غاصب باید مال را به مالک

<sup>۱۳۱</sup> - ترجمه کلمه سُحْت است که یکی از معانی آن رشوه خواری است. معجم مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، انتشارات دارالفکر.

<sup>۱۳۲</sup> - سوره مائده آیات ۶۳ - ۶۲. وَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبِّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.

<sup>۱۳۳</sup> - سوره بقره، آیه ۱۸۸، وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

<sup>۱۳۴</sup> - تفسیر کنز العرفان، جلد ۲، ص ۳۳ و زبدة البیان، ص ۴۲۷، چاپ مکتبه المرتضویه.

<sup>۱۳۵</sup> - گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۰) آیات الاحکام (حقوقی و جزائی) نشر میزان، ص ۲۴.

<sup>۱۳۶</sup> - سوره نساء، آیه ۲۹، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.



مسترد نماید و چنانچه مال مغضوب تلف شود غاصب ضامن مثل یا بهای آن است. حکم ممنوعیت غضب از آیه زیر قابل استنباط است: <sup>۱۳۷</sup> «ماه حرام در مقابل ماه حرام قرار دارد و در برابر (هتک) حرمتها قصاص است. پس هر کس که به شما تجاوز کرد بر او همانند آنچه بر شما تجاوز کرده مقابله به مثل کنید و از خداوند بترسید و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.» <sup>۱۳۸</sup> در آیات دیگری نیز حکم غضب آمده است. می‌فرماید: «جزای بدی، بدی است مانند آن، پس هر که ببخشد و صلح کند پاداش او بر خداوند است همانا او ظالمان را دوست نمی‌دارد.» <sup>۱۳۹</sup> در آیه اخیر عمل مبتدا غضب است یعنی بدی اول غضب است و بدی دوم جزای آن است.

این اصل بطور کلی اکل اموال و حقوق و دارائی‌های ملموس و غیرملموس <sup>۱۴۰</sup> ملل و دول دیگر را ممنوع می‌داند مگر در چند مورد استثناء که به آن اشاره گردید.

## ۸۸- اصل ممنوعیت ترور

قرآن کریم پس از شرح قتل هابیل توسط قابیل که هر دو پسران آدم ع بودند یک قاعده کلی بیان می‌فرماید که: «همانا کسی که کس دیگر را نه به قصاص قتل دیگری یا ارتکاب فساد بر روی زمین بکشد چنان است که همه مردم را کشته باشد و هر کس که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد.» <sup>۱۴۱</sup> عمل قابیل در قتل بردار خود مخفیانه و به صورت یک عمل تروریستی و بدون مجوز قصاص یا مجوز مقابله با فساد بود. در سوره اسرا می‌فرماید: «نفسی را که خداوند محترم قرار داده جز به حق نکشید و کسی که مظلوم کشته شده ما برای ولی دم او حق قصاص قرار دادیم پس در قتل اسراف نکند.» <sup>۱۴۲</sup>

این آیات اشاره به قتل عمد یا ترور دارند و قتل عمد قتلی است که جانی قصد خود قتل را داشته باشد و قتل هم محقق شود. و مجازات قتل عمد را در این آیه مشخص فرموده که: «و هر کس که مؤمنی را عمداً بکشد پس جزای او جهنم مادام است و خداوند بر او خشم گیرد و او را لعنت کند و برای او عذاب بزرگی آماده کند.» <sup>۱۴۳</sup>

همانطور که در مبحث مربوطه آمده قصاص در اسلام مقرر شده و در این مورد می‌توان به حق قاتل را کشت و این قتل برای بقاء حیات جامعه نه تنها مضر نیست بلکه مفید هم است. ولی این قصاص در زمانی است که کسی به عمد فرد دیگری را بکشد و کیفر عملش قصاص باشد و نه اینکه بدون این دلیل به صرف رأی شخصی اقدام به کشتن یا ترور دیگری نماید. برای مثال گروهی بر سر رأی و خیال و هوی و افکار و بررسی‌های خود فردی را ظالم به انسانها تشخیص می‌دهند و اقدام به ترور وی می‌کنند. مجوزی برای این عمل مشاهده نشده است. حال چه این گروه اسلامی باشد یا غیراسلامی، دین داشته باشند یا نداشته باشند حق ندارند ترور نمایند. در قصاص هم شرایط خاصی مطرح است و حق

<sup>۱۳۷</sup> - نگاه کنید به گرجی، ابوالقاسم، آیات الاحکام (حقوقی و جزائی)، نشر میزان، صص ۷۳-۷۰.

<sup>۱۳۸</sup> - سوره بقره، آیه ۱۹۴، الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.

<sup>۱۳۹</sup> - سوره شوری، آیه ۴۰، وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَ أَسْلَحَ فَاجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.

<sup>۱۴۰</sup> - Tangible and intangible assets.

<sup>۱۴۱</sup> - سوره مائده، آیه ۳۲، أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا.

<sup>۱۴۲</sup> - سوره اسرا، آیه ۳۳، وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ.

<sup>۱۴۳</sup> - سوره نساء آیه ۹۳، وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا.

قصاص با اولیاء دم است و اولیاء دم اول تحریض به بخشودن و عفو کردن قاتل خود می‌شوند.

از طرفی به فرض مقام یک مملکتی تخلف و ظلم نمود. در درجه اول سؤال این است: چه کسی باید جرم او را تشخیص دهد که حکم قتل برای او صادر شود؟ دوم آیا وی از خود دفاع نموده؟ سوم آیا می‌توان برای قصاص وی دیگران را نیز (مثلاً توسط انفجار همراه) با او کشت؟ چهارم آیا می‌توان برای خسارت زدن به وی یا مملکت وی انسانهای متبوع دولت وی را کشت یا به غیرنظامیان آنها حمله نمود؟ و سؤالهای پیاپی دیگری از این دست همه جواب منفی دارند و خداوند فقط کشتن قاتل را اجازه فرموده و آن هم در شرایط قصاص با ویژگی‌های خاص خود و می‌فرماید: «کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده است مگر به حق مکشید.»<sup>۱۴۴</sup> از طرفی درباره همین قاتل هم لفظ برادر استفاده می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، درباره کشتگان بر شما قصاص مقرر شد آزاد در برابر آزاد و بنده در برابر بنده و زن در برابر زن، پس هرکس که از جانب برادر خود عفو گردد باید که با خشنودی از پی ادای خونبها رود و آن را به وجهی نیکو بدو پردازد. این حکم، تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان و هر که از آن سرباز زند بهره او عذابی دردآور است.»<sup>۱۴۵</sup>

## ۸۹- اصل اکرام بر ضیف

بررسی ابعاد تاریخی - حقوقی اقوام پیشین نشان می‌دهد که گرامی داشتن میهمان در طول تاریخ همواره با دانش اجتماعی و آگاهی و جهان‌بینی افراد جوامع متفاوت بوده است. هرگاه جنبه‌های وحدت در جهان‌بینی و طرز تفکر آحاد جامعه و حکومت‌ها بیشتر بوده توجه به حقوق بیگانگان افزایش یافته است. با مراجعه به تاریخ معلوم می‌شود که وضعیتی که خارجی‌ها در ممالک قدیم داشته‌اند در بین مللی که اساس تشکیلات آنها متکی به دین بوده به مراتب سخت‌تر از وضعیت آنها در مللی بوده که اصول سیاست آنها مبتنی بر اقتصاد و تجارت بوده است. در جوامعی که صرفاً عقاید خشک مذهبی داشته‌اند، اصل کلی بر این بود که خارجی ناپاک و خارج از مذهب و بنابراین محروم از حقوق افراد داخلی است. در هندوستان قانون مانو<sup>۱۴۶</sup> بین برهمن<sup>۱۴۷</sup> و سوترا<sup>۱۴۸</sup> فرق کلی می‌گذاشت. چه برهمن فاتح و صاحب اختیار بود در حالیکه سوترا مغلوب و اسیر بود و نمی‌توانست با طبقه برهمن رابطه خانوادگی یا حقوقی پیدا کند. طبقه دیگری پست‌تر از طبقه سوترا به نام طبقه پاریا<sup>۱۴۹</sup> وجود داشت که افراد آن حق نداشتند حتی به سمت غلامی به طبقه برهمن وارد شوند.

در زمان حکومت فراعنه - یعنی حکومت عالم‌نمایان دین نوح ع - در مصر، مادام که قدرت در دست رؤسای

---

<sup>۱۴۴</sup> - سورة انعام، آیه ۱۵۱، وَ لَا تَقْتُلُوا اَوْلَادَكُمْ مِنْ اِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَاِيَهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنٌ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ. و سورة فرقان، آیه ۶۸، وَ الَّذِيْنَ لَا يَدْعُوْنَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَ لَا يَقْتُلُوْنَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُوْنَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ يَلْقَ اَنَامًا. و آنان که با خدای یکتا خدای دیگری نمی‌گیرند و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده مگر به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر که این کارها کند گناهکار است.

<sup>۱۴۵</sup> - سورة بقره، آیه ۱۷۸: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

<sup>۱۴۶</sup> - Manou

<sup>۱۴۷</sup> - Brahmane

<sup>۱۴۸</sup> - Soutra

<sup>۱۴۹</sup> - Paria

مذهبی و فراعنه بود، خارجیها مبعوض بودند و با آنها به بدی رفتار می‌شد. رؤسای مذهبی مصر گمان می‌کردند که بایستی احکام غضب الهی را نسبت به خارجیها یعنی نسبت به موجودات نجس و خارج از مذهب اجرا نمایند. قوم یهود نیز که خود را قوم برگزیده خدا محسوب می‌نمود مجاز به مرادده با اجانب نبود. قتل عامی که یهودی‌نمایان در فلسطین در قرون گذشته برای اجتناب از تماس با اجانب نموده‌اند در تاریخ ضبط است. البته در قوانین موسی ع احکام رأفت آمیز نسبت به اجانب موجود است و حتی در مجازات بین یهود و خارجی فرقی نبوده و درب معابد برای تحصن اجانب بسته نمی‌شد. معذک برتری بنی اسرائیل و پستی اجانب امری سیاسی بود که عالم‌نمایان یهود همواره بر آن تأکید داشته‌اند.

غالب دولت‌های ایران چه در زمان هخامنشی و چه در زمان ساسانی دولت‌هایی سلطه طلب بودند و از طرفی هم تجارت را تشویق می‌کردند. در آئین اردشیر بابکان که به منزله قانون اساسی ایران ساسانی است صراحت دارد که چون بیگانگان از ما مهمان‌نوازی ببینند و عدالت یابند این نکوئی و دادگری به دیگر مردمان رسانند و جهانیان با خواسته و متاع خود رو به مملکت ما نهند و کشور آبادان گردد. در کتیبه‌ها و اسناد تاریخی نیز مشاهده می‌شود که هخامنشیان بالاخص کورش - که وی را ذوالقرنین که شرح آن در سوره کهف آمده است دانسته‌اند<sup>۱۵۰</sup> و دلایلی نیز در اثبات پیامبری وی ارائه فرموده‌اند - کرامت انسانی را بسیار مورد توجه قرار داده‌اند. پس از ظهور مسیح ع، عالم‌نمایان سلف در رم اجانب عیسوی مذهب را طعمه حیوانات سبع می‌کردند و در ایران نیز مظاهرین به رسوم بیگانگان از اذیت و آزار در امان نبودند. بعد از اسلام نیز در ممالک مسیحی مذهب مخصوصاً در اسپانیا افراد مسلمان دچار شکنجه و سختی بودند و در ممالک اسلامی نیز افراد غیرمسلمان تابع قوانین سخت‌تری بودند مثل آنکه اخذ ربا از غیرمسلمان حلال و از مسلمان حرام و غیرمسلم ملزم به پرداخت جزیه بود.<sup>۱۵۱</sup>

علماء حقوق نیز نظریه‌های مختلفی در باب اتباع بیگانه داده‌اند. ابری و رو<sup>۱۵۲</sup> بر این باورند که در هر مملکت اتباع خارجه باید دارای کلیه حقوقی باشند که معمولاً ملل متملن آن را نتیجه حقوق طبیعی نوع بشر دانسته و یا عملاً آن را قوانین ملل مزبور قبول می‌نمایند و برعکس حقوقی که مخصوص یک یا چند ملت بخصوص بوده و تعمیم آن به اتباع خارجی از بدیهیات نمی‌باشد یا حقوقی که استقرار آن از ابتکارات یک ملت خاصی می‌باشد، نباید برای اتباع بیگانه شناخته شود. ایرادی که به این نظریه وارد می‌آورد این است که تشخیص بین حقوق طبیعی و حقوقی که لازمه حقوق طبیعی نیستند کار آسانی نیست. به عقیده دمانزا و والت<sup>۱۵۳</sup> اتباع بیگانه باید از حیث دارا بودن حقوق خصوصی مانند اتباع داخله بوده و کلیه حقوقی را که به موجب نص صریح قانون از داشتن آن محروم نشده‌اند، دارا باشند زیرا سلب حق از تبعه خارجه مخالف عدل و انصاف است، مخصوصاً وقتی که به موجب هیچ قانون صریحی چنین محرومیتی مقرر نشده باشد.<sup>۱۵۴</sup>

بر اساس اصل اکرام بر ضیف هر کس که به کشور اسلام وارد می‌شود نه تنها از بسیاری از حقوق فردی برخوردار می‌گردد و حقوق مکتسب قبلی خود را نیز به همراه می‌آورد بلکه از حقوق ویژه میهمان نیز برخوردار می‌گردد. بر اساس اصل اکرام بر ضیف میهمانی که به کشور اسلام وارد می‌شود گرامی خواهد بود و این موضوع سبب می‌شود که

<sup>۱۵۰</sup> - حضرت حاج سلطانحسین تاینده گنابادی، قرآن مجید و سه داستان اسرارآمیز عرفانی، چاپ سوم، ۱۳۶۵، تهران، انتشارات حقیقت.

<sup>۱۵۱</sup> - نگاه کنید به عامری، جواد، حقوق بین‌الملل خصوصی، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، تهران. صص ۸۰-۷۷.

<sup>۱۵۲</sup> - Aubry and Rau

<sup>۱۵۳</sup> - Demangeat and Valette

<sup>۱۵۴</sup> - نگاه کنید به عامری، جواد (۱۳۶۳) صص ۹۳ - ۸۹.

حکومت اسلام مسئول تأمین برخی از نیازهای وی نیز باشد. برای مثال بر اساس آیات زیادی ابن‌السبیل یا راه‌ماندگان از مستحقین دریافت انواع صدقات هستند. راه‌ماندگان خارجیان یا افراد شهرها یا قراء دیگر هستند که به کشور اسلام وارد شده‌اند و یا از شهری به شهر دیگر مسافرت کرده‌اند و از عهده هزینه‌های مسافرت خود بر نمی‌آیند. آیه ۱۷۷ سوره بقره نیکی را با ویژگی‌هایی تعریف می‌کند که از آن جمله اعطای مال به واماندگان در راه است.<sup>۱۵۵</sup> در آیه دیگری «می‌پرسند که چه انفاق کنیم بگو از هرچه خوب است انفاق کنید برای والدین و نزدیکان و ایتام و مساکین و راه‌ماندگان و هرچه خوبی کنید پس خدا به آن داناست.»<sup>۱۵۶</sup> در آیه ۶۰ سوره توبه صدقات به هشت گروه تخصیص داده شده که یکی از آنها راه‌ماندگان است.<sup>۱۵۷</sup> همینطور در آیه ۴۱ سوره انفال یکی از موارد مصرف خمس غنیمت که در آمد نیز معنی شده است پرداخت به راه‌ماندگان است.<sup>۱۵۸</sup> و این راه‌ماندگان منحصر به مسلمین نیستند.<sup>۱۵۹</sup> واماندگی در راه یکی از ویژگی‌های خاص مسافر است اگر مسافر در کشور اسلام نیاز به خدمات دیگری داشت همچنان همانند سایر افراد جامعه می‌تواند در شأن خود برخوردار شود و در این باب قرآن کریم می‌فرماید: «حقّ خویشاوند و در راه‌مانده را ادا کن و نه بیش و نه کم»<sup>۱۶۰</sup> و میزان این موضوع را در سوره حشر منوط به نظر رسول اکرم ص می‌فرماید که هرچه حضرتش فرمود بگیرید و هرچه منع فرمود اجتناب کنید.<sup>۱۶۱</sup>

۱۵۵ - سوره بقره، آیه ۱۷۷، لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ. نیکی آن نیست که روی به جانب مشرق و مغرب کنید. بلکه نیکی آن است که به خدا و روز آخر و ملائکه و کتاب و پیامبران ایمان آورید و مال خود را با آنکه دوستش دارد به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گدایان و (آزاد سازی) بردگان ببخشید و نماز بگذارید و زکات بدهد و چون عهدی ببندند به آن وفا کنند و در بینوایی و بیماری و هنگام جنگ صبر کنند اینان راستگویان و پرهیزگارانند.

۱۵۶ - سوره بقره، آیه ۲۱۵، يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِلَّذِينَ قَبْلِهِمْ وَ لِلَّذِينَ بَعْدَهُمْ وَ لِلْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ.

۱۵۷ - سوره توبه، آیه ۶۰، إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. نیست جز اینکه صدقات برای فقراء و مساکین و عاملین بر آنها و تألیف قلوب ایشان و آزاد نمودن بردگان و در راه خدا و راه‌ماندگان از جانب خدا واجب شده است و خدا دانا و حکیم است.

۱۵۸ - سوره انفال، آیه ۴۱، وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ. و بدانید که آنچه را به غنیمت می‌برید یک پنجم آن برای خدا و برای رسول و برای خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و راه‌ماندگان است.  
۱۵۹ - متشابه‌القرآن، ۲، ۱۷۴.

۱۶۰ - سوره اسراء، آیه ۲۶، وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَدِّرْ بَدْرًا. حقّ خویشاوند و مسکین و راه مانده را اداکن و هیچ اسراف کاری مکن. همین موضوع را در سوره روم آیه ۳۸ مجدد تأکید می‌فرماید. قَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. حقّ خویشاوند و مسکین و راه مانده را اداکن و این بهتر است برای کسانی که خشنودی خدا را می‌جویند و ایشان رستگارانند.

۱۶۱ - سوره حشر، آیه ۷، مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا. آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و راه‌ماندگان، تا میان توانگران دست به دست نشود. هرچه پیامبر به شما داد بستانید و از هرچه شما را منع کرد اجتناب کنید.

حضرت یوسف ع هنگامی که بار شتر برادرانش را مهیا ساخت به برادرش فرمود که «من بهترین میزبانم»<sup>۱۶۲</sup> لذا حکومت اسلام که تحت ولایت نبی یا ولی یا وصی ع باشد همانند آیه فوق وظیفه بهترین میزبان را بایست نسبت به واردین مرعی دارد. مسلم است همان صفت یوسف ع بایست به نحو اکمل در انبیاء و اولیاء بعد نیز وجود داشته باشد. ملاحظات فوق در مورد واردینی است که حتی به صورت مهمان وارد حکومت اسلام شده باشند اگر قصد تحصیل تابعیت یا پناهندگی داشته باشند نیز همچنان اعطای پناهندگی یا تابعیت برای آنها از طرف حکومت اسلام الزامی است - اگر بگوئیم که همه افراد بشر به نحوی متبوع حکومت اسلام هستند و همه در پناه حکومت اسلام هستند هنوز از حدود وظایف حکومت اسلام خارج نشده‌ایم که گوینده لا اله الا الله در پناه این کلمه طیبه از مصونیت جان و مال و عرض و ناموس برخوردار است و هیچکس حق ندارد به چنین کسی تعرضی کند. باز اگر بگوئیم که تمام ابناء بشر تحت این کلمه طیبه قرار دارند بیهوده نگفته‌ایم. البته این بحث مفصل است و در مقالات دیگر به آن اشاراتی شده است.<sup>۱۶۳</sup>

پناهندگی به حکومت اسلام حتی برای مشرکین هم در حکومت اسلام لازم القبول است. در آیه ۶ سوره توبه می‌فرماید: «هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس به مکان امنش برسان زیرا ایشان قومی هستند که نمی‌دانند»<sup>۱۶۴</sup> این آیه نه تنها پیغمبر اکرم ص را موظف به اعطای پناهندگی نموده بلکه دین متقاضی را نیز بی‌اهمیت تلقی کرده و از طرفی حضرتش را موظف کرده تا وی را ایمن به مأمین مورد نظرش برساند.

تابعیت اکتسابی ناشی از پناهندگی یا ناشی از استدعا هر دو سبب اعطای حقوق شهروندی مسلمین به فرد تابعیت‌پذیرنده است و این فرد علی‌الاصول نباید از حقوق اجتماعی عموم مسلمین چیزی کمتر دریافت کند. موارد استثناء بسیار معدود است که در صورت حکومت با حاکمیت نبی یا ولی یا وصی ع به سادگی اتفاق نمی‌افتد. این مبحث بیشتر مربوط به اعطای حقوق سیاسی و جنبه‌های احتیاط از خصومت یا دشمنی‌های مخفیانه در لباس پناهندگی یا تابعیت است و در اعطای حقوق خصوصی مانعی دیده نمی‌شود. بلکه بر اساس قاعده احترام بین‌المللی به حقوق مکتسب<sup>۱۶۵</sup> (تحصیل شده) نیز حقوق مکتسب پناهنده یا تابعیت‌پذیرنده را نیز بایست مورد احترام و قبول قرار داد.

## ۹۰- اصل ممنوعیت نفی بلد و نفی تابعیت

به استناد دو آیه زیر می‌توان استدلال کرد که دولت اسلام بطور کلی (مگر در موارد خاصی که ذکر می‌شود) مجاز به نفی بلد افراد چه در حیطه ملی و چه در حیطه بین‌المللی نیست و لذا بر این اساس مجاز به نفی تابعیت افراد نیز نمی‌باشد. در قرآن کریم می‌فرماید: «و آن هنگام که با شما عهد کردیم که خون هم مرزید و یکدیگر را از دیارتان آواره مسازید و شما به پیمان گردن نهادید و خود بر آن گواھید، سپس شما اینهایی هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خود را از دیارتان آواره می‌کنید و بر ضد آنها به گناه و تعدی به همدستی یکدیگر برمی‌خیزید و اگر به

<sup>۱۶۲</sup> - سوره یوسف آیه ۵۹: أَنَا خَيْرُ الْمُنزَلِينَ.

<sup>۱۶۳</sup> - نگاه کنید به بیدآباد و هرسینی (۱۳۸۲) شرکت سهامی بانک غیررئوی و بازبینی ماهیت ربوی و غیررئوی عملیات بانکی متداول. مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی «نظریه اقتصاد اسلامی و عملکرد اقتصاد ایران»، ۳-۴ دی ۱۳۸۲، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲۲۴-۱۹۳، تهران.

<http://www.bidabad.com/sherkat6.htm>

<sup>۱۶۴</sup> - سوره توبه آیه ۶: وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَاجِرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلغَهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ.

<sup>۱۶۵</sup> - درباره حقوق مکتسب نگاه کنید به: عامری، جواد، حقوق بین‌الملل خصوصی، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، تهران.

اسارت شما در آیند در برابر آزادیشان فدیة می گیرید و حال آنکه بیرون راندنشان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از کتاب ایمان می آورید و بعض دیگر را انکار می کنید؟ پاداش کسی که چنین کند در دنیا جز خواری نیست و در روز قیامت به سخت تر وجهی عذاب می شود و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.»<sup>۱۶۶</sup>

استثناء این حکم محاربان با خدا و رسول اوست ص و یا کسانی است که در زمین فساد می کنند. می فرماید: «همانا کافر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برمی خیزند و در روی زمین به فساد می کوشند جز این نباشد که آنها را کشته یا به دار مجازات آویخته و یا دست و پایشان را به خلاف ببرند یا نفی بلد کنند این خواری عذاب دنیوی آنها است و در آخرت در عذاب بزرگی خواهند بود. مگر آنان که پیش از آنکه به آنها دست یابید توبه کنند پس بدانید که خداوند بخشنده و مهربان است.»<sup>۱۶۷</sup> شرح آیات فوق در بخش برخورد با محارب ذکر شد.

## ۹۱- اصل آزادی جابجایی افراد و حذف روایید

امر خداوند به گردشگری بر روی زمین است. می فرماید: «بگو در زمین سیر کنید پس ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بوده است.»<sup>۱۶۸</sup> در سوره نمل همین امر را برای دیدن و عاقبت مجرمین می فرماید.<sup>۱۶۹</sup> در سوره عنکبوت دستور گردش بر روی زمین را برای دیدن بدایت خلقت و غایت آخرت امر می فرماید: «بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده سپس آفرینش آخر را پدید می آورد.»<sup>۱۷۰</sup> و در سوره روم همین امر برای عبرت از عاقبت مشرکین قبلی نازل شده است.<sup>۱۷۱</sup> در سوره یوسف این موضوع به صورت سؤال برای بررسی عاقبت گذشتگان آمده است.<sup>۱۷۲</sup> در سوره حج می فرماید: «آیا در زمین سیر نمی کنند تا صاحب دلهایی گردند که بدان تعقل کنند یا گوشهایی که بدان بشنوند پس همانا چشمها نیستند که نمی بینند لکن قلبهایی که در سینهها هستند کورند.»<sup>۱۷۳</sup> در سوره سبا می فرماید: «میان آنان و قریههایی که برکت داده بودیم، قریههایی ظاهر داشتیم و در بین آنها معبر قرار

<sup>۱۶۶</sup> - سوره بقره، آیات ۸۵ - ۸۴، وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَوُونَ ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تَخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى فَادْوَهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بَعْضٌ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا لِلَّهِ بِعَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ.

<sup>۱۶۷</sup> - سوره مائده، آیات ۳۴ - ۳۳، إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْبُرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

<sup>۱۶۸</sup> - سوره انعام، آیه ۱۱، قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ. و سوره آل عمران، آیه ۱۳۷ و سوره نحل، آیه ۳۶.

<sup>۱۶۹</sup> - سوره نمل، آیه ۶۹، قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ.

<sup>۱۷۰</sup> - سوره عنکبوت، آیه ۲۰، قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ. بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خدا موجودات را آفریده سپس آفرینش آخر را پدید می آورد.

<sup>۱۷۱</sup> - سوره روم، آیه ۴۲، قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ.

<sup>۱۷۲</sup> - سوره یوسف، آیه ۱۰۹، أ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ. و سوره مؤمن، آیه ۸۲ و سوره محمد آیه ۱۰ و سوره روم آیه ۹ و سوره فاطر آیه ۴۴ و سوره مؤمن آیه ۲۱ که همین آیه را با اولم شروع کرده اند.

<sup>۱۷۳</sup> - سوره حج، آیه ۴۶، أ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَقْبَلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.

دادیم. در آنها شبها و روزها امن سیر کنید.»<sup>۱۷۴</sup>

همانطور که از آیات فوق برمی آید دستور سفر و گردشگری از اوامر الهی است و نباید جلوی این امر خدا با ایجاد موانع روادید و غیره گرفته شود. دولت اسلام بایست شرایط لازم برای اجرای این امر خدا را نیز فراهم آورده و در مقابل هم خود اخذ روادید را از سر راه گردشگران خارجی بردارد و هم از دول دیگر بخواهد که موانع روادید خود را از میان بردارند. واژه اَرْض در آیات فوق دلالت بر تمام کشورهای کره زمین دارد و خطاب به همه افراد ساکن بر این کره است و تخصیص به مسلمین و مؤمنین ندارد.

متأسفانه مسائل سیاسی روز کشورهای جهان، چون رعب و وحشت از تروریسم و نگرانی از مسائل جاسوسی و امنیتی مستمسکی برای تقویت نظام‌های اطلاعاتی و امنیتی در درون کشورها شده و در اصل باعث گردش آب در آسیاب این گروه از افراد جامعه گشته و این افراد نیز برای حفظ و تقویت جایگاه اجتماعی-اداری-تشکیلاتی خود همواره بر رعب ناشی از عدم امنیت افزوده و یا حتی اقدام به عملیاتی می‌نمایند که بر ناامنی‌های جامعه افزوده شود تا همواره نیاز به گروه‌های نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و امنیتی بیشتر گردد. یک بازتاب این موضوع در روابط بین‌الملل مسائل ورود و خروج از کشورها است و کنترل‌های امنیتی-اطلاعاتی در این زمینه است که پدیده روادید و ویزا را در روابط بین کشورها بسیار مهم جلوه داده است. پر واضح است که در جهان فعلی، برقراری ارتباطات نیازمند جابجایی افراد نیست و وسائل ارتباطی آنقدر گسترده است که هرکسی از هر جایی می‌تواند در دهکده جهانی از لحاظ تبادل اطلاعات جابجا شود و نیاز به انتقال خود فرد نیست، لذا محدودیت‌های رفت و آمد بیشتر ایذایی به نظر می‌آیند تا حقیقی.

مهاجرت نیز از دیگر مسائلی می‌باشد که دلیل کشورها در صدور ویزا شده است. این موضوع البته جای بحث زیادی دارد ولی در جای خود ذکر می‌گردد که در دولت اسلام مهاجرپذیری<sup>۱۷۵</sup> و مهاجرفرستی<sup>۱۷۶</sup> هر دو از حقوق افراد ملت است و جز در موارد نادر این حقوق را نمی‌توان از افراد خارجی یا داخلی سلب نمود.

## ۹۲- اصل جواز مهاجرت و اقامت دلخواه برای کلیه افراد روی زمین

کره ارض متعلق به خالق انسانهاست و وطن ابناء بشر می‌باشد. هرکس محق است در هر کشوری سکنی گزیند یا به آن یا از آن مهاجرت نماید. هجرت اجازه‌ای است که خداوند به بندگان خود داده است. می‌فرماید: «آیا زمین خدا گسترده نبود تا در آن مهاجرت کنید؟»<sup>۱۷۷</sup> رسول اکرم ص نیز می‌فرماید: «شهرها بلاد خداست و بندگان بنده‌های خدا هستند هرکجا برای تو خوش بگذرد آنجا اقامت کن.»<sup>۱۷۸</sup> در این باب می‌فرماید: «چنانکه در دوران خلافت ظاهریه امیرالمومنین علی ع بعضی از پیروان حضرت به شام به طرف معاویه رفتند هرچه به حضرت عرض می‌کردند که از رفتن آنها جلوگیری کند ایجاد فتنه می‌شود حضرت قبول ننموده و فرمود آنها آزادند چنانکه سهل بن حنیف که از طرف

<sup>۱۷۴</sup> - سورة سبا، آیه ۱۸، وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ.

<sup>۱۷۵</sup> - Immigration.

<sup>۱۷۶</sup> - Emigration.

<sup>۱۷۷</sup> - سورة نساء آیه ۹۷، أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا.

<sup>۱۷۸</sup> - نهج الفصاحه: البلاد بلاد الله و العباد عبادالله فحيث ما احببت خيرا فاقم

<sup>۱۷۹</sup> - حضرت حاج سلطانحسین تابنده، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، ص ۵۸.

حضرت والی مدینه بود به آن حضرت نوشت که طرفداران معاویه مردم را وادار به ترک پیروی تو و تشویق مهاجرت به شام می‌کنند و اجازه خواست که جلوگیری کند حضرت فرمود آنها را آزاد بگذارد. همچنین عامل آن حضرت در بصره شرحی به همین مضمون نوشت که عده‌ای از معاریف و سران شهر و قبایل قصد مهاجرت به طرف شام دارند آیا اجازه بدهم یا جلوگیری کنم حضرت در جواب مرقوم فرمود: لا تأسف علی ما یفوتک من عددهم فانما هم اهل الدنیا مقبلون علیها مسرعون الیها و علموا ان الناس عندنا فی الحقّ سواء یعنی بگذار بروند و از کم شدن عدد آنها متأسف مباش که آنها اهل دنیا و طالب شهوات دنیا هستند و می‌دانند که مردم نزد ما در اجرای حکم عدالت بر آنها یکسان می‌باشند.»

در نظام فعلی بین‌المللی ورود و مهاجرت به کشورها نیازمند صدور روایید و اجازه اقامت موقت و یا دائم می‌باشد که در دولت اسلام این موضوع قابل قبول نیست. حکومت اسلام باید به هر کس که مایل به مهاجرت به کشور اسلام باشد اجازه ورود و اقامت بدهد و چون در بدو ورود میهمان است وظیفه اکرام بر ضیف نیز برایش مصداق دارد و باید بسیاری از نیازهای مشروع وی نیز برآورده شود. و اگر مهاجرین تابع دین دیگری بودند، طبق آئین و فقه خود در انجام اعمال مذهبی آزادند. حتی از نظر قضایی نیز آزادند که به دادگاههای خود مراجعه نمایند و در فقه اسلام یک فرد ذمی می‌تواند در برابر قاضی مسلمانان از بالاترین شخصیت حکومت اسلامی شکایت کند.<sup>۱۸۰</sup> ناگفته نماند که سکونت اهل ذمه در قلمرو اسلام مشمول پرداخت جزیه است. اهل ذمه با انعقاد پیمانی که نسبت به مسلمین اقدام به جنگ نمایند و احکام جزائی اسلام را در مورد خود بپذیرند و مبلغی به عنوان جزیه پرداخت نمایند مورد حمایت دولت اسلام قرار خواهند گرفت. افراد ناتوان، دیوانگان، کودکان و زنان از پرداخت جزیه معافند و رقم جزیه توسط دولت اسلام مشخص و سرانه وضع می‌گردد. یعنی هر مرد بالغ و سالم باید سالانه مبلغی به عنوان جزیه و به دست خود بپردازد. می‌فرماید: «تا آنکه با دست خود جزیه بپردازند»<sup>۱۸۱</sup> و این برای ابراز تابعیت آنها به پیمان ذکر شده است. به هر حال جزیه دهندگان از پرداخت سایر مالیات‌هایی که مسلمین ملزم به پرداخت آن هستند معافند و مشمول خدمت سربازی و جنگ نیز نمی‌شوند. اهل ذمه فقط به سادگی با اقرار شهادتین از پرداخت جزیه معاف می‌شوند. به هر حال هر کس که میل داشته باشد در قلمرو اسلام زندگی کند آزاد است و از کلیه حقوق اجتماعی و تأمین مسلمین نیز برخوردار خواهد بود. در نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر می‌فرماید: «ماده پانزدهم نیز که آزاد بودن تابعیت را می‌رساند از مطالب سابقه معلوم گردید چنانکه پس از قضیه تحکیم و پیدا شدن خوارج و فتنه‌جویی آنان در داخل شهر کوفه خدمت علی ع عرض کردند که از آنها جلوگیری کنند یا در کوفه نباشند حضرت فرمود آنها آزادند و مادامی که مخالفت آنها شخصی و مربوط به شخص من است آزادی عمل دارند مگر اعمالی را بجا آورند که مخالف مصالح عمومی و مخل امنیت باشد لذا پس از تجمع آنها در خارج و شروع به طغیان و قتل و غارت در صدد دفع آنها برآمد.»<sup>۱۸۲</sup>

### ۹۳- اصل الزام به کتمان اسرار

در قرآن کریم صراحتاً به کتمان سرّ دستور می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید، که دیگران از فساد در حقّ شما کوتاهی نمی‌کنند و خواستار رنج و مشقت شما نیستند و کینه‌توزی

<sup>۱۸۰</sup> - بحار الانوار ج ۲، ص ۵۹۵.

<sup>۱۸۱</sup> - سوره توبه آیه ۲۹، حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ.

<sup>۱۸۲</sup> - حضرت حاج سلطانحسین تابنده، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، صص ۶۰ - ۵۹.



از گفتارشان آشکار است و آن کینه که در دل دارند بیشتر است از آنچه به زبان می‌آورند.<sup>۱۸۳</sup> در سوره نساء می‌فرماید: «و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس به آنها رسد، آن را در همه جا فاش می‌کنند و حال آنکه اگر در آن به پیامبر و به صاحب امر از میان خودشان رجوع می‌کردند حقیقت امر را درمی‌یافتند.»<sup>۱۸۴</sup>

## ۹۴- اصل ممنوعیت تجسس در امور خصوصی افراد

اصولاً تجسس در اسلام پسندیده نیست چون در اثر تجسس عیوب افراد ظاهر می‌گردد و چنانچه در معرض اطلاع دیگران نیز قرار نگیرد باعث می‌شود که خود تجسس‌کننده به دلیل ورود به حریم دیگران از لحاظ روحی نسبت به فرد مزبور یا افراد مشابه در قلب خود سؤ نظر یابد و خود به خود پایه اخوت و برادری در نظام اجتماعی و نتیجتاً سیاسی سست گردد. لذا قرآن کریم تجسس عیوب را نهی فرموده و اطلاعات کسب شده بر اساس تجسس را از انواع ظن می‌داند و نه یقین. زیرا ممکن است نیمه‌ای از یک واقعه برای متجسس کشف شود و او را به تهمت اندازد. برای مثال متجسس ممکن است کشف کند که دو نفر مرتکب زنا می‌شوند در صورتی که از نیمه اول که ازدواج آن دو بوده خبر نداشته است. در این باب قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از گمان درباره دیگران پرهیزید به درستی که برخی ظن‌ها گناه است و بعضی از شما بدی برخی دیگر را در غیبتشان ذکر نکند. آیا شما دوست می‌دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید البته کراهت و نفرت از آن دارید. از خدا بترسید و همان خداوند همواره توبه‌پذیر و مهربان است.»<sup>۱۸۵</sup>

عمل تجسس به هرگونه‌ای که باشد تجسس محسوب می‌شود خواه با وسایل و تجهیزات جاسوسی و خواه بدون وسیله و متجسس نباید در حریم خصوصی افراد وارد شود. ورود به حریم خصوصی افراد نه تنها ورود با قدم یا نگاه یا استراق سمع است بلکه با هر وسیله‌ای ممنوع است. در سوره نور می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌ای غیر از خانه خود بی‌آنکه اجازت طلبیده و بر ساکنانش سلام کرده باشید داخل مشوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید و اگر در خانه کسی را نیافتید داخل مشوید تا شما را رخصت دهند و اگر گویند باز گردید، باز گردید. این برای شما پاکیزه‌تر است و خدا به هر کاری که می‌کنید آگاه است. بر شما گناهی نیست اگر به خانه‌های غیر مسکونی که متاعی در آن دارید داخل شوید و خدا می‌داند هرچه را پنهان یا آشکار می‌سازید.»<sup>۱۸۶</sup> از مفاد این آیه می‌توان دریافت که ورود به حیطة شخصی افراد به هر طریقی بدون اجازه فرد ممنوع است. مثلاً حتی نباید با دوربین یا میکروفن یا هر وسیله استخباری دیگر وارد حریم خصوصی دیگران شد. استفاده از این ابزار به معنی از پشت خانه‌ها وارد شدن است و نه از درب خانه‌ها. در قرآن کریم می‌فرمایند: «پسندیده نیست که از پشت خانه‌ها به آنها داخل شوید ولی روش کسانی

۱۸۳ - سوره آل عمران، آیه ۱۱۸، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجِدُوا بَطَانَةً مِنْ ذُنُوبِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤَا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ.

۱۸۴ - سوره نساء، آیه ۸۳، وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ.

۱۸۵ - سوره حجرات، آیه ۱۲، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.

۱۸۶ - سوره نور آیات ۲۹ - ۲۷، یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ.

پسندیده است که پروا می کنند و از درهای خانه‌ها به خانه‌ها وارد می شوند.<sup>۱۸۷</sup> از تفصیل این آیات می توان نتیجه گیری کرد که ورود به حریم خصوصی افراد در اسلام ممنوع و حرام است.

اگر کسی نیز به نحوی از عیوب دیگران آگاه شد و میل به پخش و انتشار آن داشته باشد مرتکب عمل منهیه دیگری شده است که در قرآن کریم از آن نهی فرموده‌اند: «همانا آنان که دوست دارند زشتی درباره کسانی که ایمان آورده‌اند شایع شود برای آنها عذاب دردناکی در دنیا و آخرت مهیا است و خدا می داند و شما نمی دانید.»<sup>۱۸۸</sup> یک معنی آیه این است که اگر خطائی از مؤمنی مشاهده شد حق بازگویی آن در جایی نیست. لذا بر اساس همین استنباط است که خداوند رحیم خبرآورنده را با کلمه فاسق خطاب فرموده و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد تحقیق کنید مبدا که به مردمی از روی نادانی آسیب برسانید و چون آشکار شد از کاری که کردید پشیمان شوید.»<sup>۱۸۹</sup>

این تحذیرات همه بر مبنای این بود که خبر راست را برساند. اگر خبر را با دروغ بیامیزد و یا به شکلی آن را تبدیل کنید که باعث تحریف واقعیت شود جرم دیگری بر آن اضافه می شود که فرمود: «پس هر کس بعد از آنکه چیزی بشنود آن را تبدیل کند پس بر کسی که آن را تبدیل کند گناه است همانا خداوند شنوای دانا است.»<sup>۱۹۰</sup> در جای دیگر اشاره به این گروه و این تبدیل می فرماید: «ای پیامبر کردار آنان تو را غمگین نکند که به کفر می شتابند چه آنهایی که به زبان گفتند که ایمان آوردیم و به دل ایمان نیاورده‌اند و چه آن یهودان که گوش می سپارند تا دروغ ببندند و برای گروهی دیگر که نزد تو نمی آیند سخن چینی می کنند و سخن خدا را تحریف می نمایند و می گویند اگر شما را اینچنین گفت بپذیرید و گرنه از وی دوری گزینید و هر کس را که خدا فتنه‌ای برای او بخواهد تو از جانب خدا برای او چیزی نمی توانی بکنی اینان کسانی هستند که خدا نخواست است که دل‌هایشان را پاک گرداند آنان را در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.»<sup>۱۹۱</sup> در تفسیر این آیه فرموده‌اند:<sup>۱۹۲</sup> «و مقصود از تحریف کلام یا تغییر آن در لفظ است به زیاد و کم کردن، چنانکه درباره بسیاری از آیات روایت شده یا برگرداندن از مفهومش است یا برگرداندن از مصداقی است که خداوند یا رسول ص برای آن وضع کرده‌اند و معنی *يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ* این است که کلام را بعد از ثبوت در موضع خودش تغییر می دهند...». بر اساس سوره مؤمنون اینگونه اشخاص را خداوند در قرآن شیاطین معرفی می فرماید و خطاب به رسول اکرم ص می فرماید: «و بگو پناه می برم به تو ای پروردگار من از عیب‌جویی شیاطین.»<sup>۱۹۳</sup> و در سوره قلم در ادامه می فرماید: «عیب‌جویی که برای سخن چینی اینجا و آنجا می رود.»<sup>۱۹۴</sup> و در سوره همزه برای مرتکبین

<sup>۱۸۷</sup> - سوره بقره، آیه ۱۸۹. وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا.

<sup>۱۸۸</sup> - سوره نور، آیه ۱۹، إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

<sup>۱۸۹</sup> - سوره حجرات، آیه ۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحِّحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ.

<sup>۱۹۰</sup> - سوره بقره، آیه ۱۸۱. فَمَنْ يَدَّ لَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.

<sup>۱۹۱</sup> - سوره مائده، آیه ۴۱. يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ يُؤْمِنُوا قُلُوبُهُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.

<sup>۱۹۲</sup> - بیان السَّعَادَةِ فِي مَقَامَاتِ الْعِبَادَةِ، جلد چهارم ترجمه، ص ۳۳۱.

<sup>۱۹۳</sup> - سوره مؤمنون آیه ۹۷: وَ قُلْ رَبِّ اعْوِذْ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ.

<sup>۱۹۴</sup> - سوره قلم، آیه ۱۱: هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ.

این عمل آیه ویل نازل شده است که می‌فرماید: «وای بر هر غیبت‌کننده عیجوبی»<sup>۱۹۵</sup>

با توجه به این موارد به صراحت می‌توان گفت که تجسس در زندگی خصوصی افراد در اسلام حرام است. این موضوع در سطح بین‌الملل به این وجه سرایت می‌کند که دولت اسلام حق ندارد در حریم زندگی خصوصی افراد سیاسی و غیرسیاسی حکومت‌های دیگر عالم به تجسس پردازد. البته نظارت بر تحرکات دشمن و بیگانگان شامل این موضوع نمی‌شود که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد و همانطور که اشاره شد فقط در موارد معدودی چون تجسس از مظنون به همکاری با دشمن در زمان جنگ یا فردی که برای دشمن جاسوسی می‌نماید مجاز شناخته شده است.

### ۹۵- اصل وجوب تجسس در امور مأموران دولتی و بیگانگان و دشمن و کشف جرایم

همانطور که ذکر شد تجسس در امور خصوصی افراد حرام است ولی در اسلام پنج نوع تجسس مجاز شناخته شده است:

- ۱- تجسس در اعمال و فعالیت مأموران و شاغلین بخش دولتی جهت جلوگیری از تخلف آنها.
- ۲- تجسس مرزی در ورود کالای مضر به حال جامعه یا ورود دشمن.
- ۳- تجسس در فعالیت‌ها و نقل و انتقالات و تحرکات بیگانگان اعم از دشمنان یا غیره برای ایجاد شرایط امن و حفظ جان تابعین از تعرض دیگران.
- ۴- تجسس برای کشف جرم و تنبیه مجرم و بازگرداندن حق به صاحبان آنها.
- ۵- تجسس در اعمال و فعالیت متجسسین (که امروز حفاظت اطلاعات نامیده می‌شود).  
توضیحات مختلفی<sup>۱۹۶</sup> در موارد فوق مبتنی بر احادیث و اخبار می‌توان یافت<sup>۱۹۷</sup>

### منابع

- حضرت حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه، صلح ادیان، متن پیام افتتاحیه به کنفرانس صلح ادیان، بنیاد هماهنگی ادیان و صلح جهانی (Foundation for Religious Harmony and Universal Peace)، ۳۱-۲۹ فروردین ۱۳۸۴، (۲۰-۱۸ آپریل ۲۰۰۵)، هندوستان، دهلی نو. عرفان ایران، مجموعه مقالات، گردآوری و تدوین دکتر سید مصطفی آزمایش، شماره ۲۲، انتشارات حقیقت، صص ۹-۵، ۱۳۸۴، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج سلطانحسین تابنده، نظر مذهبی به اعلامیه حقوق بشر، انتشارات صالح، چاپ دوم، ۱۳۵۴، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج سلطانحسین تابنده، قرآن مجید و سه داستان اسرارآمیز عرفانی، چاپ سوم، انتشارات حقیقت، ۱۳۶۵، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، بشارت المؤمنین، انتشارات حقیقت، ۱۳۶۰، تهران.

<sup>۱۹۵</sup> - آیه یک سورة همزه: وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ.

<sup>۱۹۶</sup> - تجسس، اطلاعات و استخبارات، حسینعلی منتظری، و فصل ۷ مبانی حکومت اسلامی، جعفر سبحانی.

<sup>۱۹۷</sup> - ولایت‌نامه، حضرت حاج ملا سلطانمحمد گنابادی، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۰، صص ۱۶۳-۱۵۴.

<http://www.sufism.ir>

- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، بیان السَّعادة في مقامات العبادَة. ترجمه حشمت‌الله ریاضی و محمدآقا رضاخانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، سعادتنامه، تصحیح و تعلیقات حسینعلی کاشانی بیدختی، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۹، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، مجمع السعادات، انتشارات حقیقت، ۱۳۷۸، تهران. <http://www.sufism.ir>
- حضرت حاج ملا سلطانمحمد بیدختی گنابادی، ولایت نامه، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۰. <http://www.sufism.ir>
- آلدپوش، علی، علیرضا توتوتچیان، دیپلمات و دیپلماسی، مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، تهران.
- حسینعلی منتظری، تجسس، اطلاعات و استخبارات، چاپ کمیته انقلاب اسلامی.
- بیدآباد و هرسینی، شرکت سهامی بانک غیررئوی و بازبینی ماهیت ربوی و غیررئوی عملیات بانکی متداول. مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی «نظریه اقتصاد اسلامی و عملکرد اقتصاد ایران»، ۳-۴ دی ۱۳۸۲، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، صص ۲۲۴-۱۹۳، تهران.
- <http://www.bidabad.com/doc/sherkat6.html>
- بیدآباد، بیژن و عبدالرضا هرسینی، تحلیل فقهی - اقتصادی انواع بیمه و ویژگی‌های شیوه حکومت اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ایران، ۱۳۸۲. <http://www.bidabad.com/>
- خدوری مجید، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، انتشارات اقبال، ۱۳۳۵، تهران.
- سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، جلد دوم، انتشارات توحید، ۱۳۶۲، قم.
- عامری، جواد، حقوق بین‌الملل خصوصی، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، تهران.
- فرمان حضرت علی ع به مالک اشتر، چاپ وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱، تهران.
- کاظمی، علی اصغر، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۵، تهران.
- گرجی، ابوالقاسم، آیات الاحکام (حقوقی و جزایی)، نشر میزان، ۱۳۸۰، تهران.
- نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار رسول اکرم ص، ابوالقاسم پاینده. ۱۳۳۷، تهران.
- تفسیر کنز‌العرفان، چاپ مکتبه المرتضویه.
- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان.
- زبده البیان، چاپ مکتبه المرتضویه.
- شرح الامثله، جامع المقدمات، تصحیح محمد محمدی قاینی انتشارات دارالفکر، چاپ پنجم، ۱۳۷۷.
- ثقة الاسلام کلینی، الکافی، جامع الاحادیث، نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده CD.
- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده CD.
- محدث نوری، مستدرک الوسائل، جامع الاحادیث نور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، لوح فشرده CD.
- A Guide to Diplomatic Practice by Sir [Ernest Satow](#), (Longmans, Green & Co. London & New York, 1917). Now in its fifth edition (1998).
- American Journal of international law (1961) pp 1062 – 1082.
- Derek McKay and H.M. Scott (1983), The Rise of the Great Powers: 1648-1815.